



۱۰۵

سوسیالیسم امروز

۱ مرداد ۱۳۹۸ - ۲۳ جولای ۲۰۱۹

www.simroz.org

iransocialist2017@gmail.com

سرویس: آزکیما

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر مرادی، فعال کارگری، در باره: زندانیان سیاسی، جنبش شورائی و شعار "جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"

صفحه ۲۰

معامله، بند و بست، و "مذاکره" با حکومت اسلامی، ممنوع!

(گفتگوی ویژه با رفیق سلام زیجی، دبیر شورایی رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

صفحه ۷

عوارض های منفی چهل سال حاکمیت ننگین اسلامی

صفحه ۶

چرا اختناق در ایران؟

صفحه ۵

زنان و موقعیت پایمال شده آنها در نظام منحوس جمهوری اسلامی!

صفحه ۴

چند رویداد مهم از نگاه چند تصویر

ص ۲۱-۲۲

"بؤ رووخاندنی کۆماری کۆنه‌پهرستی نیسلامی پیویسته یه‌کگرتوانه بینه ریزی خهباتی کریکاری وسوسیالیستی یه وه!" (وتووژیژیک له گهل سه‌لام زیجی، به ر پرسی شورای ریبهری حیزبی سوسیالیستی شورشگیری نیران)

صفحه ۲۳

اعلامیه در باره: "مذاکره" سری احزاب ناسیونالیست کورد با جمهوری اسلامی، و تبرئه نقش منفی کومه له از جانب "نیروهای چپ و کمونیست"

در باره بند و بست و "مذاکره" سری اخیر چهار جریان تحت عنوان "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" و همچنین حضور و نقش کومه- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران در این بازی جدید جمهوری اسلامی قبلا از کانل گفتگوی پخش شده با رهبری حزب، مواضع حزب سوسیالیست انقلابی بطور شفاف به اطلاع عموم رسیده بود. متن ترجمه فارسی آن گفتگوی تصویری نیز، تحت عنوان "معامله، بدو بستن، و "مذاکره" با حکومت اسلامی ممنوع!" در رسانه ها و شبکه های اجتماعی قابل دسترس شده است. در اینجا ضمن یاد آوری خطوط کلی مواضع حزب، به دنبال اطلاعیه "نیروهای چپ و کمونیست" در قبال این رویداد و سکوت مطلق و معنی دارشان در رابطه با نقش و حضور "کومه- سازمان حزب کمونیست" در این مضحکه، ضروری دانستیم نظر خود را در این باره نیز به اطلاع عموم برسانیم:

۱- همچنانکه پیشتر اعلام کرده بودیم، تن دادن نیروهای شرکت کننده در "مذاکره" سری با جمهوری اسلامی نه تازگی دارد و نه باید با دید "خیانت" و

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



همواره در این نوع "مذاکره"ها به دلیل سیاست ارتجاعی که نمایندگی میکنند، هر بار این جنبش و احزاب به این شیوه به سرنوشت یک جامعه بازی کرده اند، و با شکست و فرو رفتن خودشان در منجلاب و باطلاق "حکومت مرکزی" متاسفانه توانسته اند برای یک دوره

طولانی کل جامعه و فضای مبارزاتی و انقلابی آنرا با خود به ناکجا آباد سوق بدهند، افشا و ترد نماییم. از اینرو اکنون ما نباید اجازه تکرار این سناریوهای ارتجاعی و ضد انقلابی یک مشت اپوزسیون نان به نرخ روز خور را بدهیم که به بهانه های مختلف در صدد تکرار بزدلانه همان تاریخ ورشکسته شان برآمده اند. علل و مبنای مخالفت و حساسیت ما اساسا از این جا ناشی میشود و فکر میکنیم وظیفه هر نیرو و انسان مبارزی است این نوع اپوزسیون را در میان خود ترد و منزوی کند.

۳- بعلاوه، از نظر ما رهبری حاکم بر کومله کنونی، "کومله- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران"، نه تنها در بخش اصلی این سناریوی سری ضد "مردمی" در یکسال و نیم اخیر سهمیم و دخیل بوده بلکه به عنوان نیروی که ادعای چپ را در جامعه کردستان دارد بیش از احزاب رسمی بورژوازی کورد در این باره مقصر و مسئولیت دارد. توهم آفرینی بسیار مخرب که حول این نوع رویداد و "رد نکردن اصولی مذاکره" نسبت به جمهوری اسلامی پخش گردید، پیام توهم آفرین ناسیونالیستی که در توجیه این رویداد پخش گردید، و پرهیز از هر گونه مخالفتی با سیاست احزاب بورژوا- ناسیونالیست شریک در پروژه "مذاکره"، اینکه گویا "احزاب کوردی" به دنبال "حل مسئله کورد هستند"، رژیم با احزاب "فعال کردستان" تماس گرفته! و غیره را وقتی از زبان نیروی که خود را چپ می داند شنیده ایم، به مراتب منفی تر و فاجعه آمیزتر باید تلقی نمود برای جنبش طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و برای کل جامعه کردستان. نباید با هیچ بهانه و توجیهاتی این نوع سیاست ضد سوسیالیستی که معمولا دبیر اول آن سازمان در پوشش "دیپلماسی" بخورد سازمان شان و جامعه میدهد پذیرفته شود. ما کلیت سیاست "کومله- سازمان حزب کمونیست ایران" را در این رویداد منفی و غیرانقلابی ارزیابی نموده، آنرا محکوم میکنیم، خواهان تجدید نظر شفاف و صریح در این سیاست ناسیونالیستی هستیم.

۴- در باره اطلاعیه مشترک "نیروهای چپ و کمونیست" به این مناسبت، که امضای "حزب کمونیست ایران"، همان کومله، را هم زیرش دارد!، شاهد یک موضع گیری کاملا غیر سوسیالیستی و یک سکوت معنی دار کاسب کارانه غیر سیاسی هستیم. در برخورد به نقش یک سال و نیم کومله و مواضع کنونی آنها در این باره، که خود رهبری کومله علنا اعلام کرده اند در این "مذاکره" سری حضور داشته اند، اول به آنها مراجعه شده، در دو جلسه اش حضور داشته اند، "شروط گذاشته اند برای جمهوری اسلامی"، یک کلمه هم ننوشته اند.

اعلامیه در باره: "مذاکره" سری ...

"سازشکار" به آن برخورد نمود. ماهیت این نیروها و اهداف آنها تنها از این طریق قابل تعریف است. نه مذاکره و نه جنگ شان با حکومت مرکزی هرگز به منفعت و آزادیهای طبقه کارگر و به صف آزادی و برابری خواهی جامعه، از جمله در جامعه کردستان، ربطی نداشته و ندارد. "مبارزه" اینها هرگز به منظور پایان دادن به استبداد و استثمار و نابرابری و امر سرنگونی جمهوری اسلامی نبوده تا امروز از آشتی شان با آن حکومت هراسی داشته باشند. پایان دادن رفع ستم ملی در کردستان نیز هیچگاه ربطی به استراتژی سهم ببری در اقتصاد و شراکت در قدرت دولتی اینها نداشته است و از طریق آنها نیز حل نشده و حل نخواهد شد. گرفتن سهمی از جمهوری اسلامی و شراکت در سیستم بورژوا-اسلامی به اسم "ستم ملی" و "خلق کورد" و از راه توصل به سیاست "مذاکره، جنگ، مذاکره" و یا از راه دخالت نظامی و همکاری یک دولت ثالث، پرنسیب، اصول، ماهیت و اهداف این جنبش و احزاب را بیان میکند. احزاب ناسیونالیست و چپ ملیگرا درون جنبش ناسیونالیستی پشت پروپاگاند "ملت کورد"، "جنبش کردستان"، "جنبش انقلابی کردستان"، "جنبش خلق کورد" و غیره پنهان میشوند تا مانند هر جنبش و حزب بورژوا-ناسیونالیستی و قومی-مذهبی دیگر در ایران و منطقه بتوانند با هزینه کردن از "مردم" و جان مال شهروندان، با حربه اینکه "همه یک ملت هستیم" در جهت اهداف نهایی خود، که چیزی بیشتر از به قدرت رساندن و سهم کردن یک اقلیتی از "مردم"، طبقه بورژواها، و یک جنبش خاص، جنبش عقب مانده و ضد آزادیخواهانه بورژوا-املی و مذهبی کورد نیست، گام بردارند.

۲-حزب ما همکاری و یا امید بستن به سیاستهای امریکا، و همزمان هر نوع تلاش برای "مذاکره" و توهم پراکنی نسبت به ماهیت فاشیستی حکومت اسلامی را مخرب ارزیابی میکند، و هر دو رویکرد را خدمت به بقای جمهوری اسلامی و علیه مبارزه آزادیخواهانه در ایران و کردستان میدانند. به هر بهانه ای چوب لای چرخ مبارزه جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی علیه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و سرمایه داران گذاشته شود باید با تمام قدرت افشا و ترد نمود. اصولا در مقاطعی با نفس "مذاکره" اپوزسیون بورژوائی با دولت مرکزی، که هیچ امر انقلابی در برنامه و سیاست شان وجود ندارد، امر سرنگونی دولت حاکم بورژوائی نیز در دستورش نبوده و نیست، نمیتوان مخالفت نمود چنانچه چنین اقدامی پیامدهای سیاسی، مبارزاتی و اجتماعی مخرب و بازدارنده به دنبال نداشته باشد. اما مورد امروز این احزاب و دولت فاشیست اسلامی بدون تردید پیامدهای بسیار منفی و مخربی به دنبال دارد به همین دلیل ما آنرا افشا نموده و با آن مقابله خواهیم کرد. همانطوریکه به بند و بست جناحهای رژیم برای فریب جامعه و کمک به تداوم عمر ننگین رژیم به درست بی تفاوت نبودیم و حقیقت ها را بر ملا و نمایندگی کرده ایم، همچنانکه به بند و بست و اهداف و عواقب دعوا و مذاکره دولتهای ایران و امریکا حول داستان هسته ای و دروغگوئی هر دو طرف مبنی بر "دفاع از مردم"، "دفاع از میهن" و در فکر "ملت" و "امنیت" شان هستند، آگاهگری و افشاگری نموده ایم و خواهان پرهیز جامعه از دنباله روی و امید بستن به سیاست هر دو دولت ارتجاعی بوده و هستیم. به همان اعتبار موظف هستیم ماهیت و اهداف آشکار و پنهان پشت بند و بست و "مذاکره" احزاب ناسیونالیست را، که

← ادامه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه در باره: "مذاکره" سری ...



نمی‌توان اطلاعاتی "مشترک" علیه پدیده ای مهمی منتشر کرد، که بخش اصلی و "توده ای" جبهه "آلترناتیو سوسیالیستی" همان "نیروهای چپ و کمونیست" در آن شریک و دخیل بوده و نقش منفی داشته اند، اما هیچ موضعی در قبال آن گرفته نشود و به مردم هم بگوئید شتر دیدی ندیدی! این سیاست و موضع نگرفتنها عملاً در راستای منافع خطر راست و ناسیونالیستی بند و بست سری با جمهوری اسلامی است که ظاهراً بخاطر حفظ "اتحاد" فرقه ی خود منافع طبقه و جنبش سوسیالیستی آشکارا نادیده گرفته شده است. این سیاست، یک سیاست "چپ و کمونیستی" نیست! شتر سواری دولا دولا است. نفعش برای طبقه کارگر و جنبش کمونیستی به اندازه سیاست کومله- حزب کمونیست در این رویداد غیر انقلابی و ضد سوسیالیستی همسو با احزاب بورژوا- ناسیونالیست است.

بنظر میرسد فشار اتحاد خط سیاسی راست حاکم بر رهبری جدید "حزب حکمونیست" که با کومله و حزب کمونیست یک پیوند عمیق سیاسی- فرهنگی و جنبشی دارند چنان سنگینی کرده است بر بقیه "نیروهای چپ و کمونیست" که حاضر باشند با جریانهای اطلاعاتی مشترک بدهند که بخشی از تشکیلات و یاران آنها در "جبهه کردستان" فعال و دخیل در داستان "مذاکره" با جمهوری اسلامی بودند. همین خط التقاطی فکری- جنبشی در بین این طیف از نیروهای "چپ" چنان عمیق است که علاوه بر موضوع مذاکره در تفسیر اوضاع سیاسی ایران نیز به کجرا میروند و مشخصاً آشکارا سیاست ارتجاعی "تنگ تر شدن حلقه تحریم های اقتصادی و تشدید انزوای بین المللی، بحران سیاسی-... جمهوری اسلامی را بیشتر در تنگنا قرار داده است..." را به عنوان عامل مثبتی در کنار دیگر فاکتورهای مبارزاتی در داخل کشور قرار داده اند و از آن نتیجه تسریع مبارزه سرنگونی جمهوری اسلامی گرفته اند.

موضع متوهم آمیز و راستی که مکمل سکوت راست روانه شان در قبال عملکرد رهبری کومله است. همین خط سیاسی بخشا به دلیل "سازشکاری" خواندن احزاب مذاکره کننده در قبال "جنبش مردم کردستان" (انگار احزاب کورد از مریخ آمده اند و تعلقی به "جنبش مردم کردستان" ندارند!) به مخالفت با "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" پرداخته اند. این سیاست نیز در چهارچوب مواضع راست و پوپولیستی و ملی گرایانه خط ناظر بر کلیت این چپ است.

ما این سکوت هدفمند غیر کمونیستی "نیروهای چپ و کمونیست" را در قبال سیاست و نقش رسمی کومله حزب کمونیست ایران را محکوم می کنیم. این نوع سیاست و "معامله" و سکوت ها را به اسم چپ و کمونیست، که این هم نوعی دیگری از بند و بست است، زیانبارتر از "مذاکره" سری احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کورد به حال خودآگاهی طبقاتی جنبشمان و به حال تداوم مبارزه انقلابی و سوسیالیستی در راه سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری میدانیم. سیاست کمونیستی یعنی شفافیت، صداقت و در نغلتیدن در دیپلماسی بازی و "اتحاد" بازیهای بورژوائی!

کارگران و آزادیخواهان جامعه کردستان و ایران را فرامیخوانیم با تمام قدرت کلیه نیروهای که در یکسال و نیم اخیر بطور مخفیانه با حکومت فاشیست اسلامی وارد معامله و "مذاکره" شده اند رسوا نمایند و سرنوشت خود را از آنها جدا نمایند. همه را فرامیخوانیم برای تحقق اهداف و مطالبات سرکوب شده چهل ساله خود هر چه بیشتر به سیاست و صف سوسیالیستی کارگران و آزادیخواهان به پیوندن!، این تنها راه رهایی قطعی از جمهوری جانی اسلامی و رسیدن به یک جامعه بری از ستم و تبعیض و نابرابری، و یک جامعه واقعا آزاد، برابر، مرفه و سوسیالیستی است!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۲۲ تیر ۱۳۹۸ - ۱۳ جولای ۲۰۱۹

"... چشم انداز حزب ما برای وقوع یک انقلاب دیگر، دوباره تاکید کنیم منظور یک انقلاب انقلابی متعلق به کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و رفاه و امنیت، و به هدف استقرار نظام سوسیالیستی، تماما در گرو درس گرفتن جدی ما از انقلاب ۵۷، در گرو عروج متشکل و متحزب طبقه کارگر، در گرو تبدیل شدن احزاب مانند حزب سوسیالیست انقلابی به عنوان یک حزب سیاسی بزرگ تودی ای- کارگری و آماده برای نبرد جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی با جمهوری اسلامی و کلیت نیروهای راست ملی و اسلامی که دست به اسلحه دارند و میتوانند در تند و پیچ سیاسی پیش رو با حمایت امثال امریکا و دیگر جنایتکاران امنیت و آرامش جامعه را به هم بزنند، در گرو تدارک همه ملزومات ضروری و فوری سرنگونی جمهوری اسلامی است!

ما معتقد هستیم بدون وجود چنین آمادگی هر شکلی از سرنگونی یا انقلاب، علیه جمهوری اسلامی، حتی به وقوع هم پیوندند، در بهترین حالت ممکن کارگر و زنان و جوان مبارز و سوسیالیستها و کمونیستهای انقلابی همان چیزی بدست خواهند آورد که سال ۵۷ تا کنون بدست آورده است. ما یک نیروی واقع بین هستیم، از هیاهو و پوپولیسم بازی، دنباله روی از "مردم" و جنجال و خود فریبی خوشمان نمی آید. فکر میکنیم برای پیروزی قطعی کامل بر جمهوری اسلامی و دست یافتن به آزادی و سوسیالیسم باید هزاران بار بیشتر از موقیت کنونی از هر نظر آماده تر شد!..." (سلام زیجی)

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

زنان و موقعیت پایمال شده آنها در نظام منحوس جمهوری اسلامی!

مینا تهرانی

طی چهل سال حکومت ضد زن و ضد تمام ارزش های انسانی در نظام جمهوری اسلامی ایران بالاترین صدمات جدی را به تمام اقشار ژامعه و نظام مدیریتی کشور اعم از اقتصادی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و توسعه منابع و دارایی های کشور را وارد کرده و با این همه ثروت های مادی و معنوی و منابع نفت و گاز و معادن طلا و نقره و مس و غیره..... و همچنین انرژی های پاک و تجدید پذیر با حاتم بخشی ها و غارت و چپاول سرمایه های مردم ایران با مقیاس میلیاردری اقتصاد ایران را به ورطه ورشکستگی کشانده و بخش عظیمی از مردم جامعه در فقر و تنگدستی باید روزگار را بگذرانند.

زنان ایران که نیمی از جمعیت کشور را شامل میشوند در این چهل سال بطور ضد انسانی ای در تمام ابعاد حقوقی اجتماعی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی نادیده انگاشته شده اند و همواره مورد تبعیض قرار گرفته اند. از حجاب اجباری گرفته تا انتخاب شغل و مذهب و نقشش در جامعه همیشه به عنوان انسان درجه دوم و کسانی که به حکم شریعت و اسلام مرد سالار و قرون وسطایشان باید مورد سرکوب و تبعیض قرار بگیرند به آنها نگاه شده است.

امروزه در جای هم که زنان و مردان دوشادوش هم در جامعه کار میکنند اما هیچگاه از حقوق برابر در مقابل شغل برابر بهره مند نیستند؟ در قدیم مردان تنها نان آور خانه بودند اما اکنون زنان نه تنها نان آور هستند در خانه هم امور خانه و آشپزی و نگهداری بچه ها و رسیدگی به امور تحصیلی شان اغلب به عهده مادران است و لازم به ذکر و توجه است که برای مادران خانه که تمام وقت و عمرشان صرف امور خانه و نظافت و آشپزی و بچه داری و..... میشود ارزشی برای آن در مقابل کار بیرون از منزل مردان قائل نمی شوند.

نیروی کار چه در خانه و چه در خارج از خانه باید ارزش واقعی خود را داشته باشد و باید کل نظام نابرابر اقتصادی و جنسیتی پایان پیدا کند تا بتوانیم در عمل زندگی برابر بین زن و مرد را هر زمینه ای تامین کنیم. زن مستقل از نظر مادی به مراتب کمتر دچار آسیب های اجتماعی و فریب شیادان جنسی شده و با غرور و اعتماد به نفس چه به عنوان سرپرست خانوار و چه بعنوان فرد در جامعه به زندگی سالم و شاداب و بی دغدغه به زندگی خود از این بابت میتواند ادامه بدهد. به امید تضمین زندگی بهتر و تحقق هدف برابر بین مرد و زن. زنده باد برابری و آزادی در تمام عرصه ها، برقرار باد پرچم و اهداف سوسیالیستی که اساس آن بر انسانیت و آزادی و برابری کامل انسانها استوار میباشد.

نه به جمهوری اسلامی!، نه به فدرالیسم!، زنده باد سوسیالیسم!

"نباید اجازه داد بخاطر خلاصی از لجن کثیف اسلام و جمهوری اسلامی به لجن کثیف ملی گرایانه فدرالیستها و شونیستها افتاد، نباید اجازه داد مردم آزادیخواه ایران که قریب به چهل سال است علیه یک حکومت فاشیست اسلامی مبارزه میکنند تا به آزادی و برابری واقعی نائل گردند، آنرا بخش عظیمی از مردم آزادیخواه که خرافه دینی و ملی گرای نتوانسته مانع اتحاد و شور مبارزاتی آنها گردد، و در ابعاد میلیونی نه تنها زندگی مشترک و خانوادگی در اقص نقاط کشور دارند، که زندگی مبارزاتی- سیاسی و منافع مشترک آنها علیه دو حکومت پهلوی و اسلامی به هویت آزادیخواهانه آنها تبدیل شده است. آنها بعد از این همه تجربه منفی و ضد انسانی در منطقه به این سادگی به این تاریخ مبارزاتی مشترک خود پشت کنند و به طرح ارتجاعی و خونین و نفرت آور فدرالیسم روی آورند و علیه هموعان خود نفرت و تفنگ و تفرقه را جایگزین همسرنوشی تا کنونی خود نمایند. اگر طبقه کارگر و راه حل سوسیالیستی ما و جنبش آزادیخواهانه به خطر شیوخ این سموم به درستی بی نبرد، اگر نیروهای طرفدار فدرالیسم طرد و منزوی تر نکنیم، اگر با قدرت خود را برای مقابله با آن آماده ننمائیم، چنین خطری، که جمهوری اسلامی نیز یک پایه ثابت آن خواهد بود، میتواند به جامعه ما تحمیل شود و جنگ و خونریزی و سناریو سیاه بی پایان را به ما تحمیل نمایند.

در فدرالیسم استثمار و سرکوب طبقه کارگر، ستم بر زن، نبود آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی و فقر و بیکاری و دهها ستم و نابرابری که در نظامهای سرمایه داری از جمله در حکومتهای مانند جمهوری اسلامی اعمال شده است نه تنها با برجا خواهد بود بلکه به عنوان ستم مضاعف هم از سوی دولت مرکزی و هم "حکومت فدرال" در محل علیه شهروندان اعمال خواهد شد. خواستهای روزمره مردم تحت عنوان "حکومت نو یا فدرال" یا به بهانه کشمکش با حکومت فدرال مرکزی و دعوا بر سر وجب و وجب خاک برای همیشه تداوم خواهد داشت. این آن حساسیت و خطری است که باید آنها دید و چنین سناریو و طرح ارتجاعی را از هیچ جریان و دولتی نباید پذیرفت و اجازه نداد به جامعه تحمیل کنند. ادعای شراکت همگانی در اداره جامعه و حکومت و این که گویا از راه فدرالیسم "مشکل ملی" و "مشکل اقلیتها"ی جامعه حل خواهد شد دروغهای بزرگ و شادخاری هستند که شیادان سیاسی به منظور رسیدن به مقاصد خود آنها بخورند طرفداران نامسول چنین سناریوی میدهند.

اما یکبار دیگر همه آزادیخواهان و مبارزین راستین علیه نظام فاشیست جمهوری اسلامی را فرا میخوانیم تنها و تنها برای آزادی و برابری و برای یک جامعه سوسیالیستی و سکولار که در آن کلیه شهروندان مستقل از مذهب و ملیت و نژاد و جنسیت واقعا در همه امور کشور بطور برابر سهیم بوده و مشارکت داشته باشند تلاش نمایند، از همه میخواهیم آترناتیو و راحل سوسیالیستی را انتخاب نمایند و به دام ارتجاع شونیستی و ناسیونالیستی نه افتند! از همه میخواهیم با طرح ارتجاعی فدرالیسم و تقسیم جامعه بر مبنای هویتهای ارتجاعی ملی و مذهبی به مبارزه قاطع برخیزند!" منبع: شماره ۵۳ نشریه سوسیالیسم امروز ۲۶ خرداد ۱۳۹۷ / ۱۶ ژوئن ۲۰۱۸
www.simroz.org Z_zijj@yahoo.se

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف
کارگران و سوسیالیستها، و به حزب
سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!
این حزب، حزب شما است! حزب
سوسیالیست انقلابی را به جامعه
معرفی کنید و در حمایت از آن در
شکل محافل و دستجات مختلف خود
را سازمان بدهید، خود را یا رهبری
حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم
با ما در تماس
باشید. iransocialist2017@gmail.com.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

چرا اختناق در ایران؟

آذر کیمیا

فساد و اختناق

در

ایران



تمام سئونات زندگی و برخورد های حکومتی با زنان از مسئله ی حقوق خانواده اشتغال زن تا سبک زندگی و آموزش او را در بر گرفته است. در تمام این بخش ها می توانیم تحقیر زنان را ببینیم. اما با این حال جامعه ی ایران در طول چهل سال گذشته دگرگون شده و زنان نیز تغییر کردند. هم رکن بقای حجاب و هم هم فشار نآسی از "وجود دشمن شیطان بزرگ" و دیگر حربه ها و جنایات این حکومت قربانیان بسیار زیادی از ما زنان و مردم زحمتکش ایران گرفته است، اما به مرور این جنایت دارد علیه خود نظام و دستگاه سرکوب و اختناق عکس العمل نشان می دهد، نمیخواهد بیش از این بپذیرد.

وقتی نتوانند به خواست های قدیم و جدید و انباشته شده جواب بدهند، که نمی توانند، وقتی آینده امیدوار کننده ای برای نسل جوان ندارند و به نسل جوان اجازه نمی دهند حرف خود را بزنند و خواسته های خود را پیش ببرند، وقتی کارگران در سراسر کشور با موجی از سرکوب و حقخوری مواجه هستند، در مقابل این موج چه خواهند کرد؟ بنظرم هیچ راه حل پیشبرنده ای نمیتوانند داشته باشد، اگر ما هم بی آینده و بی آلترناتیو و بدون راحل باشیم متاسفانه باز داستان زندگی ما زیر اختناق جمهوری اسلامی ادامه پیدا خواهد کرد. اما اگر شرایط را دریابیم و درست تر عمل کنیم و سیاستهای بهتری را در پیش بگیریم میتوانیم این جنایتکار ضد انسان و ضد زن را سرنگون کنیم.

به امید آن روز!

طی چهار دهه، یعنی از زمان پیدایش جمهوری اسلامی علاوه بر یک مجموعه سیاست مستبدانه و کشتار خونین که نیازمند عروج و بقای یک نظام سرمایه داری با ایدئولوژی اسلامی بود، اما در مجموع میتوان گفت با توصل به دو اصل ایدئولوژیکی دیگر نیز توانستند هم دامنه اختناق را گسترش بدهند و هم مهندسی و فریب مردم را که منجر به استقرار نظام مستبد اسلامی در ایران گردید، شکل بدهند. یکی دشمنی با آمریکا و طرح "شیطان بزرگ" و دیگری مسئله حجاب و پوشش اجباری اسلامی.

بدین ترتیب یکی از گرفتاری های عظیمی که جامعه ی ما با آن در این چهل سال روبروست مسئله ی اختناق سیاسی است. ترس در جامعه ایجاد کردند و مانع گفتگوی انتقادی و بروز اعتراض کردن شدن راه امکان بررسی عمومی مسائل و مشکلات را بسته و شهروند در این بررسی ها و تحولات مخرب و بی حاصل چهل ساله نقش مثبت و یا سهمی نداشته و ندارند. شیطان بزرگ یعنی آن چه ما می توانیم سیاست خارجی ایران بدانیم که مواجهه با دنیای خارج به خصوص دنیای غرب تحت تاثیر این ایدئولوژی قرار داشته و دارد و آنرا همزمان به اهرم فشاری علیه هر صدای معترضی کرده اند. حجاب و پوشش اجباری اسلامی نیز مستقیماً نصف جمعیت کشور را عملاً در زندان و نظام اختناق اسیر کرده است. حجاب نمادی است که در شکل گیری اختناق نظام خیلی موثر است و پایه ی بزرگ دومی برای ساختار ایدئولوژیک حکومت است. جمهوری اسلامی برای تحمیل خود از روز اول تا حال می بایست هم یک دشمن بیرونی و هم یک دشمن درونی میساخت تا بتواند به این واسطه یک نظام مستبد اعمال نماید، و در همین کار هم بسیار موفق بوده است. مفهوم شیطان بزرگ همان داستان نجس و طاهر است که شکل تازه ای پیدا می کند و فقها موفق شدند که یک نوع تئوری سیاسی بر اساس آن بسازند. شیطان بزرگ نجس خیلی بزرگی است که باید از آن فاصله گرفت. این نکته جالبی است که خمینی از مفهوم شیطان بزرگ استفاده کرد. برای این که شیطان در اسلام بیشتر جنبه ی وسوسه دارد و قدرت شیطان در نیروی وسوسه اش نهفته است. پس نوعی از جذابیت هم در آن وجود دارد و این جذابیت همان چیزی است که جمهوری اسلامی نمی تواند در مقابلش مقاومت کند. آقا زاده ها و نور چشمی ها را می فرستند که در آمریکا درس بخوانند. ولی در عین حال مرگ بر آمریکا هم می گویند.

حجاب پایگاه و ستون دوم جمهوری اسلامی از نظر ایدئولوژیکی است. نمادی از اینکه جامعه ی زنان به عنوان نیمه ی انسانهای مقیم ایران فرو دست اند و با زور زیر چتر اختناق حاکمیت سرکوب و استثمار میشوند. جامعه ی زنان حتی بدون اینکه خودش هم بعضاً بر آن واقف باشد تحت نابرابری کامل و تحت فشار مرد سالارانه از سوی جمهوری اسلامیکرار دارد که در !

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

عوارض های منفی چهل سال حاکمیت ننگین اسلامی

سحر بهاری

دنیای دیگری فراهم کرده اند. در واقع میتوان گفت زندگی و خوشی و تفریح و خوشگذرانی را همین اقلیت تجربه میکنند. بقیه اصلاً! و متأسفانه نا امید شدن از خلاصی از چنگ این شرایط و حکومت خود به یک واقعیت مخرب برای رهایی و خوشبختی همان اکثریت تبدیل شده است. مسائلی مانند تنش بین امریکا و ایران، خطر حمله نظامی، و دیگر بازی های سیاسی عمدتاً با بی تفاوتی عمومی روبرو شده است یا اهمیتی ندارند در زندگی شان. تلاش جانانه برای "زندگی کردن" و دست به کلاه خود گرفتن برای بقای خود و فرزندان مهمترین مشغله امروز ماها شده است. موج بیکاری و فقر در تهران عریان تر از هر جایی است. چهره زشت فقر را به صورت خیل عظیم جمعیت در مترو و اتوبوس های شهری می بینی. با سر و صدای دستفروشان که عمدتاً از طرف کودکان و زنان و جوان تحصیلکرده بیکار و افراد مسن می بینی در گوشه و کنار خیابانها میتوان فهمید که شرافتمند دانه ترین انسانهای زحمتکش به حال خود رها شده اند تا با چنگ و دندان نان شب و روزی خود را تامین کنند.

با این فقر روز افزون طبیعی است مردمی که از حکومت و تغییر در آن نا امید هستند، و اعتمادی ندارند به بازی های سیاسی اروپا و امریکا که در پی منافع خودشان رفتار مماشات گرانه با رژیم دارند، وقعی نهند. اما متأسفانه امیدی هم برای خلاصی از این وضع را هم کمتر در زندگی خود می بینند. همه در پی لقمه ای نان برای سیر کردن شکمشان هستند. آنها خسته از بازیهای سیاسی اصولگرا و اصلاح طلب و حتی از اپوزیسیون بی نقش و پادو این و آن حکومت در خارج هستند. اما در میان این اکثریت ستم دیده خوشبختانه بخشی هستند که دید روشنتری به مشکلات دارند، نه به حاکمیت و هیچ جناحی از آن، نه به بازیهای امریکا و اروپا و نه به اپوزیسیون دنباله حاد امیددی ندارند. بلکه آنها به درستی دریافته اند که خودشان باید در پی دفاع از حقوق خود و کوتاه کردن دست حاکمیت و فرهنگ فاسدش از زندگی کل جامعه بیا خیزند. این تنها روزنه باقی مانده در میان این همه سیاهی و بی اخلاقی و ناامیدی و دروغ و ریا و فساد حاکم بر کل جامعه است. امروز تنها امید ما سروسامان گرفتن این بخش از شهروندان آگاه (عمدتاً کارگران، زنان، جوانان و فرهنگیان) به منفعت خود، سازمان دادن خود در تشکیلاتهای مختلف مبارزاتی. صنفی، اجتماعی و غیره و در احزابی که به این روزنه و بخش از جامعه ربط دارند است. بدون چنین تلاش و اتحادی متأسفانه راه دیگری برای رهایی از این منجلاب وجود ندارد. دشواریهای پیش رو زیاد هستند، اما پیشروی در این زمینه ممکن و ضروری است.

بعد از ۴۰ سال تجربه شکست و تحمل زندگی بردگی زیر سایه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اکنون برای ممانعت از تکرار یک شکست بزرگ دیگر، برای به پیروزی رساندن جنبش آزادیخواهی و برابری و دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر و سوسیالیستی، راهی بجز تامین صف مستقل طبقاتی جنبشمان، پیوستن به حزب سوسیالیست انقلابی، انتخاب سیاستهای آن، ایجاد احزاب مشابه، و همچنین در پیش گرفتن یک سیاست اصولی تر و مستقل تر کارگری- سوسیالیستی از جانب دیگر نیروهای چپ اپوزیسیون، پیش روی طبقه کارگر و جامعه قرار ندارد!

چهل سال از عمر ننگین حکومت اسلامی می گذرد و در این چهل سال از هر نظر این نظام رنگ ریاکاری، دروغ، فساد و کلاهبرداری و ترس و وحشت ناشی از سیستم حاکمیت خود را به بخش قابل توجه ای از مردم نیز زده است. در این چهل سال از جمله تغییرات منفی زیادی در عرصه فرهنگی و سبک زندگی مردم ایجاد کرده است. گرچه جنبشهای پیشرو و اعتراضی و مدنی ایران همواره علیه آن مقابله کرده است اما بنظر می آید فقط توانسته به صورت محدود در مهار یا کاهش این تاثیرات منفی در جامعه تاثیر گذار باشد، به همین دلیل فرهنگ و عقاید و خرافات و روشهای زیاد زندگی می بینیم که نه تنها با حکومت اسلامی منافاتی ندارد که محصول خود این نظام بوده و عملاً در جهت کمک به بقای سیستم نیز مورد بهره نظام قرار گرفته است. چنانچه به بی تفاوتی بخش زیادی از شهروندان به مسائل متعدد پیرامونی و ناعدالتی های که هر روز صورت میگیرد توجه داشته باشیم بهتر میتوان منظور من را درک کرد. این چالش اصلی است که برای هر تغییری در ایران باید روی آن فوکوس کرد و تلاش نمود انسانها به درد و رنج هموعان کنار دستی خود بی تفاوت نباشند و نسبت به سرکوب و فساد و استبداد و ظلم بیشمار حاکمیت کر و لال نباشند.

یکی از مهمترین بخش این تغییرات در عرصه اخلاقی است که به صورت بی هدفی و هر دم از باری گذری می باشد. این تاثیرات در تهران که پایتخت می باشد و بیانگر سیاست های کلی نظام است اشکار تر و عریان تر از شهر های کوچک است. کسانی که در ایران زندگی می کنند این تغییرات را بیشتر از ایرانی های مقیم خارج درک و احساس می کنند. وقتی به شرایط فلاکت بار اقتصادی و گرانی نگاه میکنیم مثلاً بیکاری ۴۲ درصدی که خود حکومت اعلام نموده خود به یکی از بزرگترین چالشهای جامعه ایران تبدیل شده است که با خود دهها معضل اجتماعی منفی دیگر بیار آورده است. اما نه نظام پاسخگو است و نه جامعه به آن صورت صدایش در می آید. افزایش نرخ طلاق و ازدواج های غیر متعارف و اعتیاد و... همه زوایای از عواقب فرهنگ و سیاستی است که بر کشور چهل سال است حکمرانی می کند و این معضلات را به پدیده های "طبیعی" جامعه تبدیل کرده است. نرمهای اخلاقی و انسانی بخش زیادی از ما انسانها از راه سکوت یا همراهی با نرمهای بی اخلاقی و غیر انسانی نظام حاکم به شدت افت کرده است.

یکی دیگر از مهمترین عامل منفی این تاثیرگذاری پدیده ناامیدی است. اکثر جامعه بدون نشاط شده است. اکثر با همه معضلات نامبرده به نوعی گرفتار شده اند، تنها یک اقلیت بسیار کوچک حکومتی و سرمایه داران که از این اوضاع و بساط برای خود

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!



معامله، بند و بست، و "مذاکره" با حکومت اسلامی، ممنوع!

(گفتگوی ویژه با رفیق سلام زیجی، دبیر شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

نهاده اند، در این پروسه سری نه تنها حضور داشته اند که ابراهیم علیزاده ادعا دارد حتی دلالتان مذاکره (ان، جی، او صلح طلب مقیم کشور نروژ) از یکسال و نیم پیش اول به سازمان آنها مراجعه کرده است!

الان به نظر من هیچ تردیدی نیست که این موضوع در یک سال و نیم اخیر اتفاق افتاده است؛ اینکه چطور با این مسئله برخورد کنیم، وقتی که من این مسئله را شنیدم زیاد برایم جای تعجب نبود، و به نظر من نباید اسم "خیانت" و "خود فروش" و غیره را روی این احزاب و موضوع بند و بستشان به دولت جنایتکار اسلامی گذاشت. ما همه ی زندگی سیاسی خودمان را در کنار و در تقابل با سیاست و اعمال این احزاب گذرانده ایم، و قبلاً هم شاهد همین نوع کارها از جانب آنها بوده ایم. این احزاب نه حزب انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بوده اند تا انتظار سیاسی و عمل انقلابی از آنها داشته باشیم، نه هیچ وقت خواهان سرنگونی رژیم بوده و برای کسب آزادی و برابری برای همه شهروندان تلاش کرده اند، تا از نا سلامتی سیاسی و قابل اعتماد نبودنشان در میدان نبرد با جمهوری اسلامی تردید داشته باشیم. و اگر از بُعد طبقاتی به این احزاب نگاه کنیم در حقیقت هیچ فرق پایه و طبقاتی با جمهوری اسلامی ندارند. درسته جنگ کرده اند، درسته اپوزیسیون بوده اند، اما جنگ و آشتی شان را نیز در قالب یک طبقه با دو یا سه گرایش متفاوت ناسیونالیستی و مذهبی در جامعه باید دید که هر کدام بر سر سهم بزرگتر و شراکت در قدرت تا خشن ترین شکل ممه علیه هم بکنند و جامعه را هم در این راه به قهقرا ببرند، و البته هر کدام توجیهاتی برای خود همواره دست و پا کرده و بخشی از جامعه را حول سیاست خود بسیج و فریب داده اند.

اگر وقت باشد میتوان با جزئیات برای شما توضیح دهم که بعضی از این احزاب با جمهوری اسلامی واقعا هیچ تفاوتی ندارند. در رابطه با نگاهشان به ابدی دانستن و مقدس بودن جهان طبقاتی حاکم، در باره پدیده نفس برابری واقعی انسان مستقل از انتساب کردن دروغینشان به ملیت و دین و نژاد و جنسیت خاصی، در باره پدیده زن و ظلم کردن به زن، در برخورد به کارگر و دشمنی سیاسی طبقاتی شان با آن جنبش و طبقه، در باره برخورد به آزادیهای سیاسی و آزادی بیان و فعالیت کمونیستها و دهها مورد دیگر محتوای فعالیت سیاسی و ماهیت طبقاتی و اهداف نهائی شان تفاوت زیادی با حاکمیت، دولت مرکزی، ندارند. اینکه ارتجاع حاکمیت در قالب اسلام یا شونیسیم آنها را هم سرکوب و یا تحمل نمی کند به هیچ عنوان به معنی تفاوت بنیادی داشتندشان با هم نیست، وقتی خود این اپوزیسیون کورد حاکمیت کرده اند یا یکنند دقیقاً همان کارهای ارتجاعی و ظالمانه و جنایتکارانه ای کرده و میکنند که همواره دولت مرکزی انجام میدهد.

قبلاً هم گفته ام که چنانچه جمهوری اسلامی از همان سال ۵۷ برخوردار کهنه پرستانه و خشن با اپوزیسیون خود در پیش میگرفت، لزومی نداشت اکنون شاهد این نوع اپوزیسیون در کردستان و ایران باشیم. زمانی که عبدالرحمان قاسملو به خمینی لیبک فرستاد و هئیت مذاکره بین احزاب کوردستان تشکیل شد همان زمان اگر کمی دروازه

ادامه

سوسیالیسم امروز: در این بخش از برنامه از رفیق سلام زیجی دعوت کرده ایم که در رابطه با دو رویداد، "مذاکره" چند حزب ناسیونالیست اپوزیسیون کورد با جمهوری اسلامی و "کنگره مشاهیر کورد" جمهوری اسلامی، گفتگوی داشته باشیم، رفیق سلام زیجی خیلی خوش آمدید.

سلام زیجی: خیلی ممنون، به شما و بینندگان گرامی این برنامه سلام میکنم.

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام زیجی همانطور که شما و بینندگان این برنامه مطلع هستید در چند روز گذشته دو موضوع قابل توجه در رابطه با جامعه کردستان ایران رسانه ای شده است. که یکی از آنها شایعاتی در باره مذاکره پنهانی چند حزب ناسیونالیست کردستان ایران با رژیم سرکوبگر ایران است، و دومی برگزاری "کنگره مشاهیر کورد" از جانب جمهوری اسلامی در شهر سنندج. موضوع "کنگره مشاهیر کورد" را در بخش دوم و آخر این گفتگو به آن خواهیم پرداخت. اما در باره داستان "مذاکره"، اولاً این موضوع و اخبار حول آن تا چه اندازه صحت دارد، و از نظر شما نظرتان در این باره چیست و مردم آزادخواه چگونه به رویدادی که به اسم آنها صورت میگیرد باید برخورد و قضاوت کنند؟

سلام زیجی: بله، در این روزها شایعاتی وسیعی در حال پخش شدن است که گویا این احزاب، که شامل حزب دمکرات کوردستان ایران، حزب دمکرات کوردستان، و دو سازمان دیگر که قبلاً از کومله جدا شده بودند یعنی دو "سازمان زحمتکشان"، یکی با رهبری عبدالله مهدی، و دیگری عمری ایلخانی زاده بیش از یکسال و نیم است که مخفیانه درگیر یک مجموعه تماس و "مذاکره" سری هستند و بنظر میرسد دوباره به بازی گرفته شده اند و سرگرم معامله با دشمنان و قاتلین جامعه ایران و کردستان هستند. گویا با واسطه گری یک نهاد مورد حمایت دولت نروژ در کشور نروژ این "مذاکرات"، که بنا به اطلاعات پخش شده حداقل تا کنون سه بار بوده، صورت گرفته است.

اما بعد از این که طرف پنجم این مذاکرات سری، گفتیم از یکسال و نیم پیش شروع شده است، سازمان کومله ی حزب کمونیست ایران بوده که دیروز و امروز از زبان رهبری این حزب هم به زبان کوردی و هم به زبان فارسی با صراحت چنین اتفاقی را تأیید کردند. بنابر این برای ما تردیدی باقی نماند و واقعیت این موضوع برای ما اثبات شد. قبلاً اگر تردیدی وجود داشت (نه اینکه این انتظار از احزاب نامبرده را نداشته ایم که تن به هر ذلت و معامله ای بر سر سرنوشت جامعه انجام بدهند و این احزاب اهل این معاملات و کارها نباشند) بلکه ما در نظر داشتیم که باید منبع موثق تر و معتبرتری بدست آورد تا بتوان به آن استناد و قضاوت کرد. شخصاً با شنیدن خبر این رویداد از زبان دبیر اول کومه له، ابراهیم علیزاده، و اینکه گفت یک سال و نیم است این مذاکره در جریان بوده است، همانطور که بینندگان حتماً آنرا شنیده و دیده اند، بنا به گفته علیزاده خود این سازمان هم تا آخرین نقطه جزو آن چهار حزب با همراهی مستقیم و غیر مستقیم احزاب نامبرده بورژوا-ناسیونالیست کردستان که اسم "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" روی خود

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!

معامله، بند و بست، و...

را باز گذاشته بودند همه ی این احزاب الان در داخل ایران بودند و بخشی از کسانی بودند که الان در مجلس جمهوری اسلامی هستند و جزو جبهه دو خردادیه و اصلاح طلبان میشدن و خواسته های خود را که هم اکنون بخشا جمهوری اسلامی تامین کرده است، پی میگرقتند. و حتی در این نوع کنگرهای مضحک "مشاهیر کورد" نیز نقش زیادی میتوانستند ایفا کنند. میخواستیم بگویم اصولا نباید از وقوع مذاکره و بدو بستان و تسلیم این جریانات تعجب کرد! بلکه به عنوان یک واقعیت عینی و منفی سر راه آزادی و برابری به عواقب آن و مقابله با آن باید تمرکز داشت. سخنان من به معنای بی تفاوتی نسبت به این موضوع نیست بلکه باید به این دید آن را نگاه کنیم که این ها اگر چهل سال دیگر هم اپوزیسیون باشند سر انجام باید برگردند به آغوش جمهوری اسلامی یا هر دولت دیگری تا بتوانند به موجودیت و منافعشان خدمت نمایند. جمهوری اسلامی همین امروز با وجود همه جنایتهاش حتی علیه اینها چنانچه گوشه ای از قدرت سرکوبگر دولتی را به آنها بدهد با شیرجه به سویش خواهند رفت. کافی است بخشی از شهرداری یا یک مسئله ی فرهنگی را برای آن ها تامین کنند، کفش (کلاش) یا لباس کوردی را برای آن ها آزاد تر کند، زبان کوردی را به میل آن ها سازمان دهند مشکلشان حل میشود و بر میگردن به آغوش حاکمیت و اینبار مشترکا به جنایت و چپاول و فساد و سرکوب کارگر و صف آزادیخواهی ادامه خواهند داد.

معامله، بند و بست، و "مذاکره" با حکومت اسلامی، ممنوع!

در شبکه ی اجتماعی حتی از جانب برخی چپ ها نیز دیده ایم گفته اند این ها "خیانتکار و سازشکار" هستند. لابد کسی اینو می گویند که خودش را در جبهه آنها می بیند که اکنون به او "خیانت" شده است؟!، نخیر این ها به ما "خیانتی" نکرده اند!، به چه کسی خیانت کرده اند؟!، شاید به بقیه احزاب همجنسیتی خودشان! به ما و طبقه و جنبش ما نه!، زیرا جزو جبهه ی ما نبوده و نیستند که امروزه ما خیانت کرده باشیم، جزو جبهه جامعه ی انقلابی نیستند تا به جامعه خیانت کرده باشند، اتفاقا به جنبش و طبقه خودشان که نصفشان با حکومت فاشیست اسلامی هستند بهترین خدمت را دارند میکنند که شکافشان را به این شکل پر میشود!، فرقی نمیکند مذاکره کرده باشند یا نه، در حال جنگند یا آتش بس، در هر حالت به طبقه ی حاکم و سرمایه داران نزدیک ترند، در طول تاریخ چنین بوده، و به اصطلاح در حال دعوایی خانوادگی شان هستند.

ما نباید به چشم تعجب به این مسئله نگاه کنیم، اما در عین حال ما موظف هستیم به مابه ازای منفی این نوع جنگ و آشتی و "مذاکره" ها را که به اسم "مردم" و "کوردها" صورت میگیرد بیش از پیش حساس باشیم و علیه آن جامعه را بسیج کنیم. در پوشش اپوزسیون و حتی به اسم اپوزسیون "چپ" به این شکل سم توهم در قبال چنین حکومتی پخش کردن نتایج منفی بسیار وسیعی برای انقلاب و مبارزه مردمان آزادیخواه و انقلابی به دنبال دارد. این ها خودشان سدی هستند در مسیر مبارزه ما در راه سرنگون کردن جمهوری اسلامی. در این چهل سال به غیر از شکست و ناکامی و پیشگیری از موج انقلاب کارگران و زحمتکشان ضد جمهوری اسلامی، و تولید خرافات قوم پرستی و خاک پاشاندن به چشم زحمتکشان جامعه کردستان به نظرم نقش مثبتی نداشته اند.

خیلی طبیعی است که این کار ها را انجام میدهند چه پنهانی و چه آشکار. ما باید هوشیار باشیم معاملات و سودهایی که این ها در حال پیشبردن آن هستند و به نام "مردم کوردستان" و "حقوق خلق کورد" به دنبال گرفتن سهم بورژوازی خودشان هستند نگذاریم راحت قورتش بدهند و فریب کاری کنند یا مانع سر راه تداوم مبارزه سرنگونی طلبانه ما ایجاد نمایند. باید از آن ها قبول نکنیم به اسم "نماینده مردم" سیاست ارتجاعی خود را دنبال کنند. باید همه روشن بدانند که اینها باندها و احزاب و جنبشی هستند که به دنبال بخشی از قدرت حکومتی در ایران هستند که حکومت با آن ها بسازد همانطور که با مفتی زاده و دو خردادی ها و نمایندگان کورد مجلس سهمی داده است و یک مشت مفت خور و مزدور و بی خاصیت که به جمهوری اسلامی خدمت میکنند و همراه جمهوری اسلامی و سرمایه داران دست در دست هم مردم کوردستان و ایران را چپاول و ویران کرده و میکنند و سیاست و قوانین کثیف اسلامی را بر زندگی همگان حاکم نموده اند. اگر این طور به قضیه نگاه کنیم بهتر جایگاه مبارزاتی و طبقاتی هم آنها و هم خودمان را بهتر خواهیم شناخت. چیزی نیست که به تازگی رخ داده باشد، در چهل سال عمر جمهوری اسلامی و این احزاب شاهد آن بوده ایم. راه حل این است که باید کاری کنیم تا جامعه و مردم آزادیخواه هوسیارتر و آگاهتر به ماهیت این احزاب و عواقب بند و بست شان با جمهوری اسلامی باشند. ضروری است صف خودمان و جنبش مان را از آنها جدا کنیم، لازم است اکثریت جامعه، از جمله کارگران و زحمتکشان آنها را ترد کنند و از خودشان ندانند. باید چنان آمادگی به وجود آورد اگر آن ها در چاه و منجلاب "مذاکره" و جمهوری اسلامی افتاده اند نباید بتوانند ما و جنبش و جامعه معترض و انقلابی را نیز با لاشه خود به این چاه و منجلاب فرو ببرند. این اهم وظیفه ما در این باره است!

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام در حرفهائیتان به این اشاره کردید که ابراهیم عزیزاده، دبیر اول کومله حزب کمونیست

ایران گفته است که یک سال و نیم در حال مذاکره با ایران هستند، اما همچنانکه همه می دانیم به تازگی این مطلب درز پیدا کرده و در شبکه های اجتماعی مطرح می شود. به نظر شما چرا این موضوع به تازگی مطرح میکنند و چرا ابراهیم عزیزاده اکنون آنرا طرح و تائید میکند؟

سلام زیجی: من با دقت به گفتگوی دیروز ابراهیم عزیزاده دبیر اول کومله و امروز نیز به صحبت های جمال بزرگپور که به عنوان نماینده حزب کمونیست ایران در رادیو پیام کاندای مصاحبه کردند گوش دادم. تنها نتیجه ای که گرفتم این است آن ها هم با صداقت و صراحت و راستگویی رو به جامعه ایران و حتی حزب خودشان، و مخصوصاً که آنها در لباس چپ و کمونیست ظاهر میشوند، به این موضوع و پدیده و بدو بستان ارتجاعی برخورد نکردند. اولین چیزی که نباید از این جریان قبول کرد این است که چرا حالا؟! چرا سکوت و پنهانکاری یکسال و نیم تان!؟

←
ادامه

اولین چیزی که نباید از عزیزاده و این جریان قبول کرد این است که چرا حالا؟! چرا سکوت و پنهانکاری یکسال و نیم تان!؟

معامله، بند و بست، و...

این پدیده نیز در ادامه همان سیاست مستمر این جریان و مثل همان داستانی است که مدتی قبل نیز با ۲۰-۳۰ جریان غیر سرنگونی طلب، از شاخه های دیگری از احزاب ناسیونالیست کورد منطقه و نزدیکتر به جمهوری اسلامی بطور سری همکاری دارند، حتی امضایشان زیر بیانیته دست راستی در برخورد به حکومت ایران می رود و وقتی علنی میشود، از زیرش در میروند، اظهار بی اطلاعی میکنند و حاضر نشدند یک کلمه علنی علیه آن جریاناتی که گویا بدون اطلاع اینها نام حزبشان را زیر بیانیته ارتجاعی گذاشته اند بگویند، آنرا در چهار چوب "دیپلماسی" شناخته شده رهبری کومله ماست مالی کردند. همین

موضوع باعث این شد که "اتحاد" جدیدشان با یکی دو تا از سازمان های چپ، حداقل با بخشی از آنها، که همزمان با هر دو طیف سرگرم "کار مشترک" بودند، فعلا به هم خورد.

این همان خط و سیاستی است که مردم باید بپرسند جناب ابراهیم علیزاده یا هر کس دیگری در آن سازمان چرا سکوت کردید؟ تا در شبکه های اجتماعی بر ملا نشد شما همه این رابطه و این بازی را با جمهوری اسلامی پنهان نگه داشتید؟ اگر تو در این رابطه صداقت داری چرا در یک سال و نیم گذشته حرفی نزده ای؟ در ظاهر توجیه شان این است که به انجمن دلال نرویزی قول داده اند تا مسئله جدي نشده است مطالبی در این رابطه پخش نکنند. شما اگر اصول "علنی کاری" دارید، چرا این قول را پذیرفتید؟ اما اکنون سوال میکنم که شما در حال حاضر آیا از این انجمن اجازه گرفته اید که بعد از یکسال و نیم بر خلام "قول" که داده بودید عمل نموده اید و مسئله را علنی کرده اید و رسماً به عنوان رهبری حزباً آنرا را تأیید میکنید که "اول به ما مراجعه کرده اند، بار دوم هم دیدار داشتیم؟" بی تردید نه! اما وقتی دیدید ابرو ریزی کرده اید و همه دارند باخبر میشوند امید "پیش دستی" کردید! شما حتی می گوئید فقط بار سوم حضور نداشته اید در این مضحکه که جمهوری اسلامی برایتان تدارک دیده بود، و گویا در این مرحله سوم است مقامات "بالا"ی "مرکز" ناسیونالیستی کردستان و جمهوری اسلامی حضور بهم رسانده اند. اما توضیح هم نمیدهد که چرا بار سوم شما "غایب" بودید!

بنظرم به این می گویند سیاست دیپلماسی ناسالم که به عنوان چپ و سوسیالیست نباید هیچ کسی آنرا از شما بپذیرد! این قبول نیست. نباید از آن ها این موضوع را قبول کرد. با یگو مگوهای که در بین این کومله با جریانات دیگر "مرکز" کذائی پیش آمده، به هر دلیلی کومله علیزاده به نشست سوم راه داده نشد و به حاشیه افتاده اند و تنها مانده اند. وقتی ابراهیم علیزاده جوهر و تمرکز بحثش "حول ایجاد تفرقه بین احزاب" باشد، تنها جدال و تفاوتشان با چهار جریان دیگر حول همین جنبه است، نه وجود دو سیاست بنیادی متفاوت در برخورد به جمهوری اسلامی و "مذاکره"، با عدم حضور کومله حزب کمونیست در نشست آخر عملاً این جدائی بین کومله و چهار حزب دیگر را فعلا به جود آورده است.

بحث ما این نیست که هیچوقت با جمهوری اسلامی "آتش بس" یا حتی "مذاکره" نمی توان کرد. اما موضوع امروز بنظرم کاملاً متفاوت است و هیچ همسوی با شکل و شروط و اهداف "مذاکره" یک نیروی انقلابی سرنگونی طلب با یک حکومت ارتجاعی ندارد. نمونه ی که اکنون به ذهنم رسید میخوام کوتاه بازگو کنم تا بگویم در چه موقعیتهای حتی میتوان با جمهوری اسلامی هم "آتش بس" و "مذاکره" کرد، این است که ما در کومله ی کمونیست قدیم در دهه ی ۶۰، در اوج جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی در تابستان سال ۶۴ یا ۶۵ شمسی در روستائی "قولقله" سقز داشتیم استراحت میگردیم و چند زخمی هم از قبل داشتیم. جمهوری اسلامی نیروی بزرگی را برای نابودی ما به هدف محاصر مان روانه کرد. بدون اطلاع ما و به دلیل

سهل انگاری و احد حفاظت ما، نیروهای رژیم موفق شدند شب هنگام همه روستا را کامل محاصره کنند، ارتفاعات و همه خروجی روستای که در بین چند قلعه کوه بلند قرار گرفته بود را پر از نیرو کنند و حتی آمده بودن پشت بام برخی از مکانهای خواب و استراحت ما، وقتی متوجه شدیم، قبل از فرصت دادن به شروع تیراندازی آنها، ما ضربتی بیرون آمدیم و در عرض سی تا چهل دقیقه تمام نیروهای تروریست و سرکوبگر جمهوری اسلامی و گروه های ضربتش که بخش زیادی از آنها "کورد" هم بودند از سر راه خود پاکسازی کردیم و شکست شان دادیم. تصور میکنم ۱۰ نفرشان به سلامتی به شهر سقز و یکی از مراکز مهم شان در روستای "میره ده" نتوانستند برگردند. با این وجود ما بجز یک یا دو زخمی سطحی هیچ تلفاتی هم ندادیم. فردای آنروز هم از کانال رادیو صدای انقلاب ایران (ده نگی شورشی نیران) و هم با ارسال واسطه پیش مقامات منطقه ای رژیم اعلام کردیم جمهوری اسلامی میتواند بیاید جنازه هایش را جمع آوری کند ببرد و ما تیر اندازی نمیکنیم، گفتیم هلال احمر بیاید جنازه ها و زحمیها را جمع آوری کند حتی همکاری هم میکنیم و این کار را هم کردیم. با این مثال موردی میخوام پرنسیب و موقعیت و تناسب قوای که باید برای "مذاکره" با یک نظام فاشیستی که خواهان سرنگونی اش هستی زنده تر روشن کرده باشم که تقریباً باید به این شکل و در چنین تناسب قوایی باشد. اما الان که شما نه در عرصه نظامی نه در میدان سیاست نه در هیچ زمینه و سطحی از حداقل امکانات و توانای برخورداری نیستی چگونی ادعای "تناسب قوای مساعد" میکنید؟! نه فقط فاقد آن حداقل ها هستید بلکه به يك سوراخ پرت شده اید و بیست و پنج سال است آنجا به نام "پیشمرگه" نشسته اید، تفنگ هایتان همه زنگ زده اند، و در

هیچ عرصه ای هیچ فشاری بر روی جمهوری اسلامی هم ندارید! اکنون حرف زدن از "مذاکره" و تناسب قوای "مناسب" آیا واقعا یک پلتیک مضحک نیست؟؟

روشن است که تناسب قوای الان با سال پنجاه و هفت نیز یکی نیست، بنابراین پناه بردن به حکایت "هیئت نمایندگان خلق کورد" در آنزمان نیز نمیتواند توجیگر سیاست تسلیم طلبانه و ضد انقلابی "مذاکره"ی که فقط به نفع جمهوری اسلامی است در موقعیت کنونی باشد. مواردی که آنزمان نیز اتفاق افتاد در شکل پنهان و بزدلانه مانند امروز شماها نبود، از جمله مواردی که امثال فواد مصطفی سلطانی ها و صدیق کمانگر ها در آن نقش داشتند.

ادامه ←

بحث امروز در باره چگونگی "مذاکره" "اپوزیسیون" با دولت مرکزی است، و فراتر از همه ی این ها بحث ما بر سر اپوزیسیونی است که لباس فرمز پوشیده است و میگوید چپ و کمونیست هستم، به اصطلاح بر دیوار مقرات و دفترش "مرگ بر جمهوری اسلامی" را نوشته اند و میگویند اپوزیسیون سرنگونی طلب اند، نه اصلاح طلب و بازی در میدان قوانین و سیاستهای ضد انسانی جمهوری اسلامی!، نمیتوان با شعار دادن این حرف های "رادیکال" را هر روز تکرار کرد، اما همزمان و در عمل در حال مذاکره و بدوستان با نظامی بود که خواهان سرنگونی اش هستید و بدین شیوه به چشم حقیقت و کارگر و آزادیخواهی خاک به پاشید!

اکنون حرف زدن از "مذاکره" و تناسب قوای "مناسب" آیا واقعا یک پلتیک مضحک نیست؟؟

معامله، بند و بست، و...

سوسیالیسم امروز: به نظر شما هدف هر دو طرف، چه جمهوری اسلامی، و احزاب ناسیونالیست در این "مذاکره" چیست؟

سلام زیجی: برای احزاب ناسیونالیست کورد این تقلا نشانه اوج درماندگی و ناامیدی، فرار از بن بست و به منظور پیدا کردن روزنه دیگری برای بقا، از جمله دستیاب به هدف محوری، گرفتن سهمی و گوشه ای از قدرت دولتی است. و این شراکت در قدرت نیز همواره بر محور استراتژی "مذاکره، جنگ، مذاکره" استوار است. یک رکن پایه بقای این استراتژی هم استفاده از شکاف دولتهای مرکزی، و یا همراهی و همکاری مستقیم و غیر مستقیم با یکی از دولتهای منطقه و جهانی که، خود عامل سرکوب شهروندان کورد و غیر کورد زبان و مانع حل کشمکش درد آور و دیرینه مساله کورد در منطقه اند، میباشد.

به نظر من به طور کلی احزاب ناسیونالیست و "چپ" های شرکت کننده در این نوع مضحکه "مذاکره" همیشه در تاریخ سیاسی خود که حرف از "ملت کورد" میزنند، باید مانند "پروپاگاندا" و ابزار بهره برداری سیاسی از مردم کرد زبان و ستمی که اعمال میشود توجه کرد، که در جهت به قدرت رسیدن یک جنبش خاص، جنبش ملی-بورژوازی کورد، نه پیروزی آزادی و برابری و رفا و امنیت و خوشبختی شهروندان، و نه اینکه واقعا حتی به دنبال پایان دادن به ستم ملی و کشمکش دیرینه مساله کورد باشند، مورد نظر قرار داد. تاریخ گذشته و موقعیت و حاکمیت کنونی بخشی از این جنبش و احزاب گویایی این حقیقت ساده است.

از ژست گرفتن نوکرسفنانه عبدالله مهتدی با وزیر خارجه آمریکا و عکس گرفتن با قدیم پاسدارهای تکنوکرات شده در خارج کشور، تا دیگر اقدامات مشابه سران حزب دموکرات، تا رابطه سیاسی و قلبی شان با بخشهای از حاکمیت و "کوردهای" دوم خردادی و "فرهنگی" یان داخل کشور، و غیره همه نشانه آویزان شدن بی حد و مرز و بی پرسنیانه به هر پدیده ای برای رسیدن به روئیای متحقق نشده قدرت فرقه ی و جنبشی شان است. استراتژی اصلی به قدرت رسیدن آنها اساسا همراهی با سیاستهای ضد انسانی و ارتجاعی دولت آمریکا و ترامپ و در آرزوی تکرار سناریو سیاه عراق و کردستان عراق بسر می برنند تا به تخت و تاج و ثروتهای باد آورده برسند، آرزوی حمله به ایران میکنند و کاک عبدالله را شهردار بوکان کنند و فلان و فلانی در مهاباد و جاهای دیگر قدرتی به دست بگیرند، یعنی اتفاقاتی که در کردستان عراق روی داده است و زیر سایه ی آمریکا اتفاق افتاده در ایران نیز میخوانند تکرار شود، اما نمی فهمند تکرار سناریو عراق در ایران یا غیر ممکن است یا در قالب دیگری میتواند به پیش برده شود. اما از بخت بد آنها فعلا این سناریو عملی نیست، وقتی میبینند ترامپ و دولت آمریکا با آنها بازی میکند و چنین چیزی اتفاق نمی افتد و اگر هم اتفاق بیافتد فعلا

ابراهیم عزیزه میگوید تناسب قوا به زیان جمهوری اسلامی است!، مانند بقیه احزاب همقطار فوری مراجعه میکند به دیماه ۹۶ و اعتراضات آلمان و غیره، اما فرار میکنند از واقعیت قدرت سرکوب و نظامی جمهوری اسلامی و از ظرفیتهای جنایتکارانه این نظام برای سرکوب و عقب نشینی به بخشهای های از جامعه و همینطور بازی دادن اپوزسیون مانند شماها، که اتفاقا با همت و بهره گیری از سیاستهای ضد انسانی و قلدرمابانه ترامپ و هیئت حاکمه امریکا توانسته هم در ایران و هم در منطقه بیشتر کفچرانی و قدرت نمائی کند. باید این واقعیت را دید که جمهوری اسلامی با آمریکا درگیر است، صفی از نیروهای اسلامی و حتی کوردی را در چند کشور دور خودش بسج کرده است نفس این جدال با امریکا و عربستان موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه نه تنها ضعیفتر نکرده است بلکه همانطوری که گفتیم آنرا بهانه و پلی کرده برای عبور از برخی بحرانهای درونی خود و جواب ندادن به مطالبات گسترده در کل کشور.

از هر زاویه ای نگاه واقعبینانه ی به اوضاع داشته باشیم تناسب قوایی کنونی نه به نفع جنبش و طبقه ما است، نه به نفع اپوزسیون انقلابی است نه به نفع ادعای "جنبش انقلابی کردستان"، نه به نفع صف مردم آزادیخواه و متفر از جمهوری اسلامی. حتی اگر تناسب قوا برای اپوزسیون کورد با این همه شاخ و بال و قندیل و حکومت اقلیم و زیر سایه امریکا و این و آن دولت قرار گرفتن ها مساعد بود این وضعیتان نبود که میبینیم چگونه از هر سو به بازیچه دست دولتهای مرتجع جهانی و منطقه ای گرفته شده اند. شاهد این نمی بودیم که هر بار و هر سال با همین ترفند "مذاکره" جمهوری اسلامی دموکرات را به فرانسه نمیکشید و رهبریشان را ترور کند، در ادامه در برلین آلمان به همان شکل و صدها مورد دیگر، و الان هم در ادامه همان ترفند تعدادی متوهم بی ربط به مبارزات آزادیخواهانه در جامعه را به اسم "اپوزسیون" به اتاقی در نروژ و یا هر جای دیگری میبرند، و مانند تسبیح دست خود با آنها بازی میکنند، و اگر جان سالم هم بدر ببرند، بعدا میباید بیرون بجای نشان دادن "دستاوردهای" ناشی از "تناسب قوای مساعد" شان و پاسخگویی به جامعه، بدون شرم کردن در مقابل دوربین تلویزیونها قرار بگیرند و ژست بگیرند و در باره "مذاکره" و اصول و شروط شان شروع میکنند به هذیان گویی.

[دوباره تاکید کنم سیاست رهبری حاکم بر کومله در این باره یک سیاست انقلابی و کمونیستی را نمایندگی نمیکند و ورود آنها به این منجلااب هیچ ربطی به تناسب قوا هم ندارد، واقعیت این است بخشی از همان سیاست و استراتژی ناسیونالیستی است که چهار حزب دیگر "مرکز همکاری" به پیش میبرند با اندکی تفاوت و پوشش "چپ" گرانه تر. اما عوارض منفی این سیاست هم برای خودشان و هم کارگران و جامعه پیش از بقیه "احزاب فعال کردستانی" تمام شده و خواهد شد. در هر حال این اوج در ماندگی جریانات اپوزیسیونی است که به این صورت به "مذاکره" و معامله تن میدهند، چه علنی و چه پنهانی. برخورد دوستان کومله حزب کمونیست به کلیت این موضوع نامسنولانه و غیر شفاف و ناصادقانه است.

ادامه

معامله، بند و بست، و...

اما اینکه جمهوری اسلامی به دنبال چیست؟ باید با قاطعیت گفت که جمهوری اسلامی به اندازه ی يك سرسوزن هم به دنبال دادن حقی به هیچکس نیست!، حتی هیچ "حق و مطالبه"ی که باعث تضعیف کنترلش بر کردستان شود به این احزاب همیشه سینه چاک "مذاکره" کننده هم نمی دهد مگر اینکه کاملاً به نیرو و ابزار آنها تبدیل شوند، مانند همان "مفتی زاده ها و مکتب قرانی های و "جاشها"ی که بعداً تحصیل کردگانشان شدن دوم خردادی و بعد اسم "فعالیت فرهنگی" روی خود گذاشته اند و با جمهوری اسلامی هیچ مشکل بنیادی ندارند!

جمهوری اسلام اکنون علاوه بر فاکتورهای داخل کشوری، بطور مشخص و مهمتر به دنبال این است که این احزاب را در دوره جدال خود با آمریکا و عربستان و اسرائیل خنثی کند. میخواید احزاب بورژوا- کوردی در قطب بندیهای کنونی منطقه ای و جهانی به جای حضور در جبهه ارتجاعی ترامپ-عربستان در جبهه ارتجاعی جمهوری اسلامی صف بکشند و سرباز موجب بگیر باشند.

این رژیم در دورانی بحرانی و پر کشمکش جدی و مخاطره آمیزی با آمریکا و غرب و عربستان سعودی بسر میرد. مطلع است که این احزاب پول و تجهیزات و اسلحه دریافت کرده اند. برای جمهوری اسلامی مهم است که اگر جنگی رخ دهد این اپوزیسیون را به هر طریقی شده خنثی کند و نگذارند که اپوزیسیون کمک کننده ی راه انداختن جنگ نیابتی در مقابله با رژیم در کردستان باشند. یا با زبان "مذاکره" یا فشار مستقیم و مستقیم در مرز و از طریق کردستان عراق جمهوری اسلامی در صدد خنثی کردن آنها است، اگر ظاهراً رژیم با فرستادن چند مقام دست چندمشان برای دیدار با "معاون"های چهار حزب مزکور نرمش بدون عمل نشان داده و آرام صحبت میکند به قول کوردی برایشان مانند مرغ دانه های گندم میریزد تا جذبشان کند، و بتواند در موقعیتی قرارشان بدهد که از

مخاطرات و فشار و یا احتمالاً جنگ نیابتی آنها علیه خود بکاهد یا اینکه اگر "حرف سرشان نشد" با زور ضربه کشنده تری به آنها وارد نماید. در نتیجه جمهوری اسلامی هدفش کم کردن فشار سیاسی و نظامی علیه خودش است و به خصوص دورنمای سیاست جمهوری اسلامی، قیل از بحراناها و معضلات و اعتراضات داخل ایران، اساساً در سطح جهانی و منطقه ای متمرکز است چرا که شکست در این میدان برایش شکست مستقیم داخلی تلقی میگردد، و بر عکس میخواید از این راه "پیروزی" خود را بر داخل کشور نیز اعلام و اعمال نماید.

اینجا جایگاهی در سیاست آمریکا نخواهند داشت، با عجله آمدن "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" را درست کردن تا پیام آمادگی و قابلیت "کورد"های "متحد" تفنگچی را برای اجرای نقشه های آمریکا برسانند. خلاصه با ناپیدی از پروژه های فعلی دولت ترامپ نتیجه اش این است که چراغ سبز به جمهوری اسلامی بدهند و با جمهوری اسلامی به توافقی برسند، اما این دروازه بازی دادنشان نیز مانند چهل سال گذشته بسته خواهد شد.

اما اینکه جمهوری اسلامی به دنبال چیست؟ باید با قاطعیت گفت که جمهوری اسلامی به اندازه ی يك سرسوزن هم به دنبال دادن حقی به هیچکس نیست!، حتی هیچ "حق و مطالبه"ی که باعث تضعیف کنترلش بر کردستان شود به این احزاب همیشه سینه چاک "مذاکره" کننده هم نمی دهد مگر اینکه کاملاً به نیرو و ابزار آنها تبدیل شوند، مانند همان "مفتی زاده ها و مکتب قرانی های و "جاشها"ی که بعداً تحصیل کردگانشان شدن دوم خردادی و بعد اسم "فعالیت فرهنگی" روی خود گذاشته اند و با جمهوری اسلامی هیچ مشکل بنیادی ندارند!

جمهوری اسلام اکنون علاوه بر فاکتورهای داخل کشوری، بطور مشخص و مهمتر به دنبال این است که این احزاب را در دوره جدال خود با آمریکا و عربستان و اسرائیل خنثی کند. میخواید احزاب بورژوا- کوردی در قطب بندیهای کنونی منطقه ای و جهانی به جای حضور در جبهه ارتجاعی ترامپ-عربستان در جبهه ارتجاعی جمهوری اسلامی صف بکشند و سرباز موجب بگیر باشند.

هدفشان این است که هر طوری شده دریاچه های برای آن ها باز شود، فعالیت هایی انجام دهند، بتوانند امتیازاتی سطحی از جمهوری اسلامی بگیرند، حداقل اینکه جمهوری اسلامی و لشان کند با موشک به آن ها حمله نکند، و در عراق و سلیمانیه و زیر حاکمیت کوردی و ناسیونالیستی دیگری ترورشان نکند، آرامشی نداشته باشند. این سیاستی مستاصل و ملو از یأس و ناامیدی است که با دست و پا زدن "فعالان" خودشان را به هر چیزی که ممکن باشد آویزان میکنند. میتوانند از طریق ترامپ و پومپئو و آمریکا، یا عربستان باشد یا امروز و فردا میتوانند خود جمهوری اسلامی ایران باشد.

سیاست این احزاب و آینده جنبش شان همواره چنین بوده است، اما مشکل اینجا است که تاوان شکست و ناکامی شان را ما "مردم" پرداخته ایم. از دوره قاضی محمد و قبل از قاضی محمد تا الان بخش زیادی از رهبرانشان ترور شده اند دقیقاً در راه همین سیاست ها، نه تنها درس نگرفته اند بلکه هیچ چاره ی دیگری هم ندارند. احزابی که به جامعه و مبارزه آزادیخواهان و انقلابی متکی نباشد، و از مردم هم به عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت خود استفاده کند، راهی دیگری برای پیمودن ندارند. الان شما به ماهیت این احزاب نگاه کنید، آقای عبدالله مهتدی و آقای مفتی زاده که دیروز رهبر "جاش" کوردستان بود و ما شب روز با آن ها جنگ داشتیم اکنون تبدیل شده به ستون فقرات عبدالله مهتدی و بارها تقدیر از او و دیگر هم مسلکی هایش در "جنبش فرهنگی کورد" و با بخش زیادی از نیرو های نزدیک و وابسته با جمهوری اسلامی رابطه نزدیک دارند. از راه کاسبی و پول و سیاست با هم ارتباط دارند، حزب دموکرات همینطور ملا را و جنبش

مسلمانان "کورد" را سازمان می دهد، یکی دیگرشان آرزوی ایجاد دولت کوردی می کند تا مانند هر دولت دیگری بکشد و اعدام کند، البته با "کلاش" و "جامدانه" و زبان کوردی! همه اینها با جریانات دیگر دوم خردادی ها و مجلسی های کورد مزدور هیچ مشکلی ندارند. یعنی در واقع بخشی از پیکره این ها در جمهوری اسلامی حضور دارد و برایش جانانه ۴۰ سال است کار میکنند. و میدانند که جمهوری اسلامی حتی بخشی از احزاب کوردی عراق را هم به بخشی از نیرو و "دوست استراتژیک" خود تبدیل کرده است. در نتیجه در چنین شرایطی میخواید به هر شیوه ای امتیازاتی از جمهوری اسلامی بگیرید، و دستشان به جای بند باشد.

معامله، بند و بست، و...

و اعدام بر دارد، معنی ندارد فعالیت سیاسی را آزاد کند، ... این توهم پراکنی ها یعنی یا تو جمهوری اسلامی را واقعا نمیشناسی یا دیپلماسی بازی بسیار نا سالم و فریبنده ی تحویل "مردم" می دهید. با خودتان و اعضای سازمانتان هم دارید دروغ می گوئید.

خلاصه جمهوری اسلامی به دنبال این است که این دسته از "ابوزیسیون" و مخاطرات ناشی از آنها را از خودش دور کند و همزمان با پروژ هایش در داخل و علیه روند آزادیخواهی در ایران و کردستان آنرا منطبق کند. در ضمن جمهوری اسلامی در این راستا این امکان را دارد تا از راه "دوستان" دیرینه و نزدیک خود در اقلیم کردستان این پروژه را با مانع کمتری به پیش میبرد، حتی اگر لازم باشد دوباره به جای زبان "مذاکره" سری با زبان علنی نظامی ضربه خود را مجددا به آنها وارد کند. چه با زبان "مذاکره" و چه با زبان زور و نظامی جمهوری اسلامی به دنبال اعمال اهداف سیاست خود بر جوامع کورد زبان از جمله در ایران است، نه دادن هیچ حق و حقوقی! از یک طرف کنگره ی مضحک "مشاهیر" را برای "کوردها" برگزار میکند و "عطوفت" خود را با "کردها" و "خالقی" ها نشان بدهد و هم سفره و شریک خود کند، از طرفی دیگر میخواهد به این شیوه به مناطق کورد زبان ایران بگوید ببینید این ابوزیسیون مسلح اگر "قهر مان ها" و "سمبل های مسلح" شما هستند به این شکل چه با تفنگ و چه از راه بند و بست این چنین به خفت و خاری کشانده ایم، شما هم بشینید سر جایتان! با این سیاستها همچنانکه گفتم هر چند کاهش فشار ناسوالیسم کرد را نیز دنبال میکند اما بطور واقعی اساسا به دنبال آسیب زدن به بنیادهای مبارزه تاریخی- سیاسی- اجتماعی چپ و کمونیسم و خصلت توده ای- انقلابی آن در جامعه کرد زبان و اعمال تمرکز فشار بیشتر بر روند آزادیخواهی و روند تسلیم ناپذیری در مقابل جمهوری اسلامی است!

سوسیالیسم امروز: رفیق سلام به طور کلی نظر و دیدگاه شما حزب سوسیالیست انقلابی ایران در رابطه با پدیده مذاکره با جمهوری اسلامی و این که آیا این احزاب ناسیونالیست میتوانند با دولت مرکزی رژیم سرکوبگری مانند جمهوری اسلامی مذاکره کند یا نه چیست؟ به نظر شما مردم آزادیخواه باید چطور در این باره برخورد کنند؟

سلام زیجی: ما باید اینگونه فکر کنیم و به چنین پدیده ای برخورد نمائیم: کسی که مذاکره میکند کیست؟ چرا مذاکره میکند و طرف مذاکره کننده چه دولتی است؟ اما در کل به نظر من ابوزیسیونی که طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی باشد، ابوزیسیونی که آزادیخواه و انقلابی و چپ و سوسیالیست باشد، ابوزیسیونی که معتقد باشد جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، حکومتی تحمیلی است، حکومتی که در سال ۵۷ از راه خلق جنایت خرداد سال ۶۰ و شهریور ماه ۶۷ و رویداد ۲۸ مرداد ۵۸ که فتوای حمله به کوردستان و دیگر نقاط مانند ترکم صحرا صادر کردند و و ده ها اتفاقات از این قبیل و جنایت های

در کل به نظر من ابوزیسیونی که طرفدار سرنگونی جمهوری اسلامی باشد، ابوزیسیونی که آزادیخواه و انقلابی و چپ و سوسیالیست باشد، ابوزیسیونی که معتقد باشد جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست، حکومتی تحمیلی است، حکومتی که در سال ۵۷ از راه خلق جنایت خرداد سال ۶۰ و شهریور ماه ۶۷ و رویداد ۲۸ مرداد ۵۸ که فتوای حمله به کوردستان و دیگر نقاط مانند ترکم صحرا صادر کردند و و ده ها اتفاقات از این قبیل و جنایت های بی انتهای خلخالی و قتلهای زنجیره ای و... توانسه است خود را به جامعه تحمیل کند، و کسی که اینگونه فکر کند که تنها راه خوشبختی و تنها راه نفس کشیدن و رسیدن به آسایش و آزادی و امنیت سرنگونی جمهوری اسلامی است، ابوزیسیونی که اینگونه فکر کند و علیه چنین نظامی تا حال مبارزه کرده و جامعه را به سرنگونی فراخوان داده اما به هر دلیلی امروز به طرف مذاکره برود یک ابوزیسیون حقه باز و بدون پرنسیپ و ضد مردمی است!

علاوه این فشارها و "مذاکرات" را نیز در این دوره باید در بستر یک پروژه هماهنگ و جامعتر جمهوری اسلامی مشخصا علیه جامعه کردستان و علیه رادیکالیسم و کمونیسم و ضد رژیمی گری انقلابی- اجتماعی که بعد گسترده و توده ای دارد و چهل سال است نتوانسته تضعیف و یا خاموشش کند قرار داد، تا بتوان کل زوایای اهداف کثیف پشت پرده نمایش مسخره "مذاکره" را بهتر درک کرد. چنین پروژه ضد انقلابی و اما اعلام نشده ای میتواند پروژه مشترک جمهوری اسلامی و "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" هم باشد. من اطلاعات بسیار دقیقی ندارم، اما میتوان مشاهده کرد و دید که جمهوری اسلامی حتی در بعد منطقه ی نیز به دنبال هدف بزرگتری تحت عنوان "حلال شیعه - کوردی" نیز هست. بخشی از ابوزیسیون کورد در کشور های سوریه و ترکیه و عراق هر کدام به نوعی عملا در این "حلال" قرار گرفته اند. فقط کردستان ایران را کم دارد که الان در حال درست کردن آن از کانال کنگر ههای پیشمرگان مسلمان ("جاشها") و کنگره "مشاهیر کورد" (هنرمندان بی خاصیت سیاسی) و دوم خردادیها و مجلسی های کرد زبان همیشه خدمت گذار نظام، و اکنون با این "مذاکره" میخواهند احزاب مسلح همین جنبش ملی- مذهبی- کوردی را نیز به آن نقشه وصل کند. همین امروز و سالها است که انواع فعالیت "فرهنگی- کوردی" و انواع جریانات اسلامی- کوردی با ریش و پشم و ضد زن و ضد انسان با پولهای هنگفت ایران و عربستان آزادانه از سندج تا بقیه ی شهر های کوردستان ایران فعالیت میکنند. با پیوستن دو حزب دمکرات و دو جریان حزب "زحمتکشان" و همچنین پژاک و پکک نیز در شکل دیگری به این پروژه میتواند بقای یک جمهوری اسلامی به معنای دقیق کلمه کثیفتر و جنایتکارتر از گذشته در کردستان و منطقه بر جامعه تحمیل کرد. و البته ما امیدواریم و تلاش میکنیم این پروژه ارتجاعی به سر انجام نرسد و با سبلی محکم کارگران و زنان و جوانان و سوسیالیستها و آزادیخواهان کردستان و منطقه و ایران مواجه شود.

جمهوری اسلامی دنبال این اهداف است. غیر از این هر کسی خیال دیگری در سر بپروراند اشتباه میکند. جالب است توجه کنید که با این پروژ هها و با این تاریخ و سابقه خونین وحشیانه که جمهوری اسلامی توجه کنید کسانی مانند ابراهیم علیزاد و جمال بزرگ پور به عنوان دو عنصر و جریان چپ و مدعی کمونیست چه توهمات مخربی در باب "شروط مذاکره" شان بخورد ما میدهند. ابراهیم علیزاد و جمال بزرگپور بیان میکردند که گفته ایم این کار را انجام بدهید، گفته ایم ملزومات مذاکره باید فراهم کنید، آزادی زندانی سیاسی را خواسته ایم، علنی بودن آن، بیرون بردن بخشهای از نیروهای نظامی و غیره را به عنوان تدارک ملزومات و پیش شرط طرح کرده ایم. برآستی من با شنیدن این حرفها تعجب کردم که چنین ادعاهای توهم آمیز از دهن چه کسانی بیرون می آید که خود را کمونیست میدانند! اگر جمهوری اسلامی این شرط و شروط تو را قبول کند معنی ندارد که جمهوری اسلامی باشد. معنی ندارد که جمهوری اسلامی زندانی را آزاد کند. معنی ندارد "اشغالگران" را از کوردستان ایران بیرون ببرد، خوب "اشغالگر کوردی" جانشینش میکند، راضی میشوید؟ معنی ندارد دست از کشتار

ادامه

معامله، بند و بست، و...

گوسفند نیانید به اسم مردم و اپوزسیون نقش ضد انقلابی و ضد آزادیخواهانه و بازدارنده ایفا کنید و چوب لای چرخ مبارزه ما علیه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و سرمایه داران زانو صفت بگذارید که ده هزار قربانی برایش داده ایم، و هزاران همسنگر کمونیست و کارگر و آزادیخواه در میدانهای مختلف نبرد در این راه جانشان را فدا کرده اند.

اما ایا برای يك جریان سوسیالیست این رخ نمیدهد؟ همانطور که من در سخنانم نمونه ي از گذشته برایتان آوردم ممکنه در زمان و مکانی معین موضوع "مذاکره" و "آتش بس" و غیره با دشمن طبقاتی روی میزمان قرار بگیرد. اما هر گز استراتژی ما برای رسیدن به هدف "مذاکره" نیست! برای توافق و رضایت دادن به وضع موجود و در راستای تأیید کلیت دولت و یا کمک به بقای دولت و طبقه حاکمه نمیتواند صورت بگیرد. تنها در راستایی پیشبرد استراتژی سوسیالیستی و سرنگونی طلبانه و انقلاب کارگری، به منظور زمینه سازی برای تحمیل پیروزی بیشتر بر دولت و طبقه حاکمه، و در زمانی که تناسب قوای واقعی طبقاتی و توده ای و سازمانی در زمین صفت مبارزه به نفع چنین اقدامی باشد ما میتوانیم در موارد بسیار محدود و مشخص حول موضوعات تک موردی با دولتی که با آن در حال جنگ هستیم وارد گفتگوهای هم شد. يك جریان سوسیالیستی و کارگری و آزادیخواه در روند مبارزه ي آزادیخواهانه ي خود انقدر پیشرفت میکند که در همه عرصهای سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی در بعد وسیع و گسترده فضا را بر جمهوری اسلامی و دولتهای مشابه تنگ کرده است و در چنین حالت های از موضع قدرت میشود حول موضوعاتی "مذاکره" کرد. ما باید بدانیم که جمهوری اسلامی بدون خون ریختن و خون دادن و قربانی دادن از سر راه جنبش و طبقه ما برداشته نخواهد شد، و به نظر من هر مارکسیست واقعی بینی باید چنین به اوضاع نگاه کند تا بتواند به وظایفش آگاهتر باشد. و با این مبارزه و آگاهی و اعلام شفاف استراتژی و اهداف مبارزاتی اش بر سر موضوعات معین میتوان در مقطعی به نفع خودت وارد "گفتگو با دشمن" شد. ممکن است تبادل اسیر انجام دهیم، ممکن است آن موقع تناسب قوایی داشته باشیم که بگوییم ما پنج شش نفر از مقام های بالایی جمهوری اسلامی را دستگیر کرده ایم و تا اسماعیل بخشی و ... را از زندان آزاد نکنیم ما هم این افراد را آزاد نمیکیم. این هم يك نوع مذاکره است. ممکن است حول یک اعتصاب گستره کارگری و نتایج آن جای نیاز به گفتگو و مذاکره باشد. این روند معینی است که در این روند تو هم بخشی از قدرت هستی و به خاطر ضعف و ذلیلی خواهان مذاکره نمیشوی و میدانی و اعلام هم میکنی که برای یک موضع داریم با دشمن دور یک میز می نشینیم، هدف غیر قابل مذاکره سرنگونی کل بساط سیستم سر جایش باقی است و نبرد تا تحقق کامل آن ادامه خواهد داشت.

← ادامه

بی انتهای خلخالی و قتلهای زنجیره ای و ...توانسه است خود را به جامعه تحمیل کند، و کسی که اینگونه فکر کند که تنها راه خوشبختی و تنها راه نفس کشیدن و رسیدن به آسایش و آزادی و امنیت سرنگونی جمهوری اسلامی است، اپوزیونی که اینگونه فکر کند و علیه چنین نظامی تا حال مبارزه کرده و جامعه را به سرنگونی فراخوان داده اما به هر دلیلی امروز به طرف مذاکره برود يك اپوزسیون حقه باز و بدون یرنسیب و ضد مردمی است!

اما اگر اپوزسیون کاری به این نداشته باشند که جمهوری اسلامی راست است، ارتجاعی است، زن را سنگسار میکند، اعدام میکند، کارگر حقوقش داده شده یا نه، کارگر اگر حقش هفت میلیون است به او يك میلیون میدهند یا نه برایش فرقی نمیکند و دردی نمیکشد، زیرا از جنسی است که اگر خودش هم قدرت را به دست بگیرد همین راه و همین سیاستهای ضد کارگری و ضد آزادیخواهانه را ادامه میدهند، و بلاخره به نظر من برای احزابی که به دنبال سرنگونی نیستند، بلکه به نوعی مانند جناحهای درون خود رژیم به دنبال اصلاحاتی هستند، به دنبال سهم خواهی بیشترند، به دنبال شراکت در دولت هستند هر طوری میخواهد میتواند با رژیم دور یک منقل بنشیند و مذاکره بکنند یا نکنند. در اول صحبتهايم به آن اشاره کردم اصلاً نباید تعجب کرد. بلکه این ها میتوانند مذاکره کنند، اما ما باید در جامعه شرمسارشان کنیم، همانطوری که تا امروز همه جناحهای جمهوری اسلامی و دعوا و آشتی های آنها را افشا کرده ایم و به مردم گفته ایم فریب اینها را نخورید!، همه سر و ته یک کریاسند، بد و بدتری در کار نیست!، هم جنگ و هم آشتی آنها بی ربط است به منافع و آزادی و برابری انسانها. و اکنون باید هر کسی که فهم سیاسی و حافظه ی تاریخی داشته باشد میدانند که حق با ما بود و از روز اول تا امروز ما درست گفته ایم در باره ماهیت رژیم و جناحهای آن!

بنظر من برای اپوزسیون راست و ملی و اسلامی نیز در سطح دیگری داستان همین است! شبیه دعوی درونی جناحهای رژیم است. ما جنگ و آشتی آنها و فریبکارهایشان را، در هر حالتی، چه مذاکره کنند چه نکنند، موانع تراشی و توهم و دروغ پراکنی مستمرشان و مواضع سیاسی و عملکرد زیانبارشان، و هر نوع بدن و بدستشان را علیه شهروندان در میسر مبارزه مان برای سرنگونی کلیت نظام اسلامی و سرمایه داری، علیه استبداد، علیه خرافات اسلامی و ملی گرانی، علیه نظام فاسد سرمایه داری، و علیه منفعت و اتحاد طبقاتی کارگران و آزادیخواهان موظف هستیم افشا کنیم و اجازه ندهیم جنگ و آشتی جنبشها، احزاب، و دولتهای بورژوازی، بیش از این قربانی سیاسی و انسانی بگیرند و به بقای نظام طبقاتی حاکم کمک نمایند.

مذاکره هایشان نیز دقیقاً مانند زمانی که با هم جنگ دارند ربطی به آزادی و خوشبختی جامعه ندارد. ما فقط در این زمینه دخالت میکنیم و اهداف و نتایج بند و بست بین هر دو طرف بورژوا و مرتجع در یوزسیون و اپوزسیون را بر ملا میکنیم، و نقد و اطلاع رسانی درست به نفع جنبشمان را خواهیم کرد نه مخالفت صرف با "مذاکره" آنها. در اینجا مشخصاً بحث در باره بند و بست جریانات ناسیونالیست کورد ایرانی با دولت مرکزی، یعنی جمهوری خون و جنون جمهوری اسلامی است که می گوییم نه شما و نه جمهوری اسلامی نماینده "مردم نیستید"، گورتان را کم کنید، به اسم آنها با هم جنگ و آشتی نکنید، بروید با هم بسازید و سفره و نان و نعمت و ثروت به گرو گرفته ما را با هم تقسیم کنید و مشترکاً به جنگ ما بیایید! ما هم همین موقعیت را به نفع خودمان میدانیم تا اینکه بخشی از شما گرگ صفتان در پوشش

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!

این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید.

iran socialist 2017@gmail.com.

ادامه

به حزب سوسیالیست انقلابی ایران بپیوندید!

معامله، بند و بست، و...

ما معتقدیم جمهوری اسلامی هیچ نوع عدالتی را با زبان نرم و مذاکره اجرایی نمیکند! يك دولت فاشیست، تروریست و حکومتی کاملاً قاتل و تک تک مسئولینش مجرمند. مثلاً تصور کنید که کوردستان برای این احزاب مشترکا با جمهوری اسلامی "آزاد شد" و برگشتند و در حال حکومت کردن هستند، اما بالأخره رسیدگی به سرنوشت دهها هزار کشتار و دهها هزار تجاوز و اعدام و جنایت چه میشود، میخواهید با آنها مشترکا، حاکمیت سیاه "کرداتی-اسلامی" تان دایر کنید و اینها فراموش شوند. مگر بر روی جنازه تک تک ما کمونیستها و میلیونها کارگر و شهروند کرد زبان و غیر کرد زبان عوار کنید تا بتوانید به این هدف ارتجاعی خود برسید! همه کسانی که با جمهوری اسلامی هستند و بودند، جنایت کرده اند، با مفتی زاده و "پیشمرگان مسلمان" قاتل بوده

اند، یا دو خردادی و همکار رژیم بودند یا الان با مجلس جمهوری اسلامی هستند، یا فرماندار مهاباد و بوکان و سردشت و سنندج و مریوان و غیره هستند، یا مسئول نیروی نظامی فلان جا هستند همه ی این ها تک تکشان مجرم هستند و باید حساب پس بدهند!

فردا روزی اگر شما با جمهوری اسلامی مذاکره هم بکنی منطقه را هم به دست بگیري این ها باید مجازات شوند. بخشا

ما معتقدیم جمهوری اسلامی هیچ نوع عدالتی را با زبان نرم و مذاکره اجرایی نمیکند! يك دولت فاشیست، تروریست و حکومتی کاملاً قاتل و تک تک مسئولینش مجرمند. مثلاً تصور کنید که کوردستان برای این احزاب مشترکا با جمهوری اسلامی "آزاد شد" و برگشتند و در حال حکومت کردن هستند، اما بالأخره رسیدگی به سرنوشت دهها هزار کشتار و دهها هزار تجاوز و اعدام و جنایت چه میشود، میخواهید با آنها مشترکا، حاکمیت سیاه "کرداتی-اسلامی" تان دایر کنید و اینها فراموش شوند. مگر بر روی جنازه تک تک ما کمونیستها و میلیونها کارگر و شهروند کرد زبان و غیر کرد زبان عوار کنید تا بتوانید به این هدف ارتجاعی خود برسید! همه کسانی که با جمهوری اسلامی هستند و بودند، جنایت کرده اند، با مفتی زاده و "پیشمرگان مسلمان" قاتل بوده اند، یا دو خردادی و همکار رژیم بودند یا الان با مجلس جمهوری اسلامی هستند، یا فرماندار مهاباد و بوکان و سردشت و سنندج و مریوان و غیره هستند، یا مسئول نیروی نظامی فلان جا هستند همه ی این ها تک تکشان مجرم هستند و باید حساب پس بدهند!.

از طریق و اتکا به این بخش از انگلهای جامعه و مزدوران است که جمهوری اسلامی چهل سال است توانسته عمر بکند. از راه مردمان کاسه لیس و عقب افتاده و نوکر صفت و مزدور جمهوری اسلامی توانسته است وضعیتی که الان حاکم است اعمال نماید. وگرنه جمهوری اسلامی همه مطلع هستند که نتیجه ی انقلاب ۵۷ نیست بلکه نتیجه ی کشتار و خون ریختن و کشتار دسته جمعی تعداد زیادی از ما و هم نسلان ما و دهها هزار انسان بی دفاع است. به این ترتیب ما به شدت با این مذاکره و با این رژیم جانی مخالف هستیم. و مذاکره کنندگان بورژوا و ناسیونالیست کورد را به این دلیل و به دلیل کمک به تداوم بقای جمهوری اسلامی باید افشا و ترد نمود و همراه با جمهوری اسلامی به شکست و رسوائی کشاند.

حتی روش و طریقه ی مذاکره آن ها و پنهان کردن آن در طی يك سال و نیم مذاکره خاک به چشم مردم کردن است، فریب دادن شهروندان است، به حساب نیاوردن همان "کوردهای" است که اینها به دروغ به "نماینده" آنها دوباره با رژیم راه آشتی در پیش گرفته اند و گویا "کوردها همیشه صلح طلب بوده اند". مردم آزاده باید بدانند هیچکدام از این جریان ها برای آزادی "مردم کوردستان" واقعا تلاش نمیکند! این ها به دنبال منافع حزبی و گروهی خودشان هستند که به نظر من این گروه ها و جریان ها سرمایه داران و عقب افتادگان و ظالمان جامعه ی کوردستان هستند. و ما باید بدانیم تجربه ی کوردستان ایران تجربه ی سی سال در عراق تجربه ی ده ها و

ادامه ←

به نظر من الان چه چپ چه راست بخواهد از راه مذاکره با جمهوری اسلامی به توافق برسد، و ارزیابی او این باشد که تناسب قوا به نفعش است به نظرم سر خودش کلاه گذاشته و بازنده است. به بقای جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد. هیچ جریان سرنگونی طلب واقعی، و هیچ نیروی آزادیخواه و سوسیالیست و چپ در باره کوردستان باشد و چه کل ایران، چه در اساسنامه اش نوشته شده باشد یا نه که میتواند مذاکره کند یا نه، مجاز نیست این کار را انجام دهد. جریان سرنگونی طلب و سوسیالیست فقط در موقعیت و تناسب قوایی که راجع به آن حرف زدیم میتواند مذاکره کند. در موقعیتی که جنبش ما و مبارزه کارگری و دیگر

ملزومات پیشروی علیه دولت در راستای پیشروی بدون اما و اگر استراتژی سوسیالیستی-کارگری برای همه ملموس و معلوم باشد که به نفع تمام میشود و طبقه و جامعه را نه خانه نشین و نه در صف انتظار، که بیش از پیش به اعتراض و اعتراض و مبارزه و جنگ علیه دولت و طبقه حاکمه دعوت میکند و در میدان هستند. در این حالت میتوان از وجود تناسب قوای مساعد برای مذاکره یک نیروی سوسیالیست سرنگونی طلب حول موارد معین با دولت مرکزی آسیب دیده

و ضعیف شده سخن به عمل آورد. نه آن خیمه شب بازی که امروز به آن میگویند "تناسب قوا مساعد" است!

حتی به دوران گذشته جامعه کوردستان برگردیم، اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ که همه با بخش زیادی از جامعه ی کوردستان ایران را در اختیار داشتیم پایگاه و دفتر و دستک و پارتیزانهای کمونیست زیادی داشتیم، حمایت توده ای گسترده داشتیم و مسئولان و تروریست های زیادی از جمهوری اسلامی را مرتب اسیر می کردیم، یعنی به نسبت آن دوره هم قدرت داشتیم و هم تناسب قوای مساعد وجود داشت، رفتم پای مذاکره با رژیم اسلامی، هر چند بنظر من آن سیاستها و هیئت نمایندگی خلق کرد آن زمان و دیگر اقدامات مشابه اندوره نیز از زاویه منفعت جنبش سوسیالیستی و حتی تامین پیشروی جامعه کوردستان علیه دولت مرکزی جلو نرفت چرا که یک ستون پایه مذاکره کنندگان دنبال شراکت در قدرت و سهم خواهی بودند نه سرنگونی، درست مانند امروزشان، به همین دلیل حتی به تداوم عمر و بورش جمهوری اسلامی و کشتار جامعه از جانب جمهوری اسلامی نیز عملاً کمک کردند و به آسانی فریب جمهوری اسلامی ضعیف و تازه بقدرت رسیده در آن زمان نیز خوردند. الان شاید دوباره بگویند برای حل مسئله ی کورد حل مسئله ی ملی و آشتی و صلح با جمهوری اسلامی مذاکره میکنند. به نظر من کسی که این حرف را میزند معلوم است که حقیقت را بیان نمی کند و حتی می خواهد مسئله ی کورد را برای همیشه پشت گوش به اندازد و به مردم دروغ تحوی میدهند تا خودشان به قدرت

احزاب ناسیونالیست کورد توان و ظرفیت حل ستم ملی را ندارند!

معامله، بند و بست، و...

"کنگره مشاهیر کورد"!

سوسیالیسم امروز: اجازه بدهید وارد موضوع دوم این گفتگو شویم. رفیق سلام زیجی همانطور که قبلاً اشاره کردم در یکی دو روز اخیر در سندج کنگره ای به نام "کنگره ی مشاهیر کورد" برگزار شد و تعدادی "مشاهیر کورد" از جمله مظهر خالقی را بعد از حدود ۴۰ سال دوری از ایران به آن نمایش بازگردانده بودند و در شبکه های اجتماعی شخص خالقی نیز مورد انتقاد زیادی قرار گرفت. به نظر شما هدف از برگزاری این نوع "کنگره ها" از جانب جمهوری اسلامی چیست؟

سلام زیجی: به نظر من هدف و ماهیت این نوع نمایشها این است که جمهوری اسلامی از این راها بیش از پیش بر جامعه کردستان کنترل داشته باشد و مخاطرات آنرا علیه خود از سر راه بردارد. اتاق فکری و رهبران جمهوری اسلامی (وقتی از رهبران جمهوری اسلامی حرف میزنیم منظورم انهای نیست که به فارسی حرف میزنند مثلاً بعضی از جریان ها یا حتی تعدادی از چپ های پیشین و قوم پرستان جدید بحث از "ایرانی های فارس" یا "عجم" های استعمارگر و "اشغالگر" میکنند در حالیکه من اول از کورد های بیشرمی حرف میزنم که به کوردی حرف میزنند و در ایران و شهر های کورد نشین قدرت دارند. در شورا های اسلامی، در مجلس اسلامی، در فرمانداری ها و شهرداریها، در نیرو های نظامی و انتظامی، در کارگاهها و کارخانجات، و در استثمار و کشتار کولبران و در همه ی این ها کار برای سرمایه داری و جمهوری اسلامی میکنند). از روز اول جمهوری اسلامی خواسته همه نطفه های آزادیخواهی و چپ و کمونیستی که انقلاب ۵۷ را نمایندگی کرد از بین ببرد. و بطور اخص محتوا و ماهیت جنبش اعتراضی و رادیکال کارگری و انقلابی درون جامعه کردستان (که بخشی از "جنبش کردستان" است نه خود آن!) در کردستان نیز خاموش و به انحراف سوق بدهد، علاوه بر جنبش رادیکال کارگری و کمونیستی، جمهوری اسلامی با یک جنبش راست ناسیونالیستی و افراطی کوردی هم مواجه است که معمولان کار کردن و همراهی کردن آنها با پروژهای خودش برایش امر راهتزی بوده است. در کنار سرکوب بیوقفه و اعمال فضای نظامی و وحشت همواره از راهها متعدد دیگر "فرهنگی" و مساجد و پول و امتیاز دادن و برخی نرمشهای کم زیان برایش بخشی از نیروی جنبش ناسیونالیستی و اسلامی در صدد خالی کردن خصلت انقلابی فضای جامعه از درون هم بوده است.

با مقداری تفاوتی مانند همان کارهای که در تهران و بقیه نقاط انجام میدهند در کردستان هم دنبال میکنند، در برخورد به جنبش کارگری آخرین مورد یادمان هست وقتی کارگران هفت تپه و فولاد اعتراض اعتصاب کردند، بسیجی و ملا ها حتی کارگر الله اکبر گویان را به صفوفشان فرستادن تا با بساط مسخره نماز و سجده راه انداختن در خیابانها صفوف متحد انقلابی و ضد سرمایه داری و زنده باد شوراها کارگری و غیره آن اعتراض را بخشا به حمل پلاکارد خامنه ای جلاد و الله اکبر گوئی تبدیل کنند، تضعیفشان کنند و بعد راحتتر به دستگیر رهبران و فعالین جنبش اقدام نمایند.

در کردستان هم همین سیاستها اجرا میشود. جمهوری اسلامی میخواهد از راه مزدوران خودش (عمدتاً کورد زبان) و از راه احزاب همیشه سر به زیر ناسیونالیست، احزابی که جمهوری اسلامی به خوبی میداند به دنبال براندازی و برداشتن خامنه ای ها و روحانیها از سر راه نیستند، احزابی که

ادامه ←

صد ها مزدور کورد زبان شهر های مختلف کورد زبان ایران و تجربه دهها بار "مذاکره" به ما نشان داده کسی که سر در آخور جمهوری اسلامی بگذارد، کسی که برای قدرت گرفتن سرمایه داران و کهنه فئودالها و شیوخ تلاش میکند، کسی که باوری به آرمان برابر انسانها ندارد، حزب هایی که حتی تا دیروز به همدیگر حمله کرده اند، مخالفین درون خود را زندان و سرکوب میکنند، بخشی از این ها عامل ترور و تروریست هستند (من سمیناری داشتم که با و توضیح داده ام که جریان عبدالله مهندی به معنای واقعی کلمه یک جریان فاشیست و تروریست است)، و حزب دموکرات نه فقط با جریان کومله قدیم و کشتار سازمان بیکار و دها مورد مشابه بلکه حتی دستش به خون جریان جدا شده از خودش (رهبری انقلابی) هم رنگین است، حتی همین چند روز پیش سازمان (خبات) را محاصره کردند، و جریان عبدالله مهندی نیز همین دیروز بود به افراد عمر ایلخانی زاده و اردوگاهشان حمله کردند، نمیتواند پیام آور آزادی "مردم کردستان" باشند! بر عکس خود سازمان و نیروی سلب آزادیهای واقعی اند. حرف من این است که این ها حق دارند و خوب هم است نه تنها مذاکره که بروند با جمهوری اسلامی هم ادغام شوند، اما جامعه همانطوری که اجازه نداده جمهوری اسلامی بعد از ۴۰ سال کشتار و جنایت بی وقفه خود را نماینده آنها بداند، جامعه کردستان هم نباید اجازه بدهد این جریانات ورشکسته بیش از این به اسم آنها و با هزینه کردن از مبارزه آزادیخواهانه جامعه و با هزینه کردن از "شهدها"ی فرزندان عزیز آنها به پای مذاکره بروند و به دنبال پول و ثروت و مقام و شراکت در فساد و استثمار و جنایت آینده مشترکشان با جمهوری اسلامی علیه ما شهروندان شوند!

از راه مذاکره هرگز نمیتوان یک سر سوزن از جمهوری اسلامی حقی گرفت. حتی مسئله ی کورد در ایران نیز با وجود جمهوری اسلامی حل شدنی نیست. چه برای حل مسئله کورد چه برای گرفتن حداقلهای از حقوق و آزادیهای شهروندی. همچنانکه گفتیم از نگاه سوسیالیستی-کارگری از موضع قدرت و حتی بنا به تصمیم خود حول موردهای معین و بر اساس منفعت جنبش و کمک به تسریع استراتژی سرنگونی انقلابی حکومت میتوان با جمهوری اسلامی "مذاکره" انجام بدهی یا نه. بر خلاف دیدگاه رهبری کومله حزب کمونیست که میگوید اساساً "مذاکره را رد نمیکنیم" باید گفت اساساً باید مذاکره با جمهوری اسلامی را، آنهم دقیقاً به شکلی که شماها بارها پایش رفته اید، باید رد کنیم، به ویژه این مذاکرات که شماها بارها به آن تن داده اید مذاکره نیست خفتی است که جمهوری اسلامی یکطرفه بر شما تحمیل و اعمال کرده است. جریانی که بنا به ادعای خود کارگری و آزادیخواه است و پرچم قرمز را در دست دارد و به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب کارگری است اما از طرفی دیگر به این شکل در وصف "اصول مذاکره" سخن فرسائی میکند، سیاست کمونیستی نمیکند، دیپلماسی بورژوائی را در زروق چپ به فروش گذاشته است. از نظر ما این خط قرمز است. مذاکره با جمهوری اسلامی معنایی ندارد و به هر دلیلی به اسم اپوزسیون و "نماینده مردم" هراتیاطی که با جمهوری اسلامی گرفته شود باید از روز اول به جامعه اطلاع داده شود. اما سیاستی که این احزاب در پیش گرفته اند در نروژ همان چیزی را دریافت میکنند که در پاریس و میکونوس تحویل گرفتند. غیر از این هیچ چیز دیگری دست گیرشان نمیشود و عواقب شکست و ناکامی دوباره آن ها متأسفانه بر سر جامعه میریزد و روند مبارزه ی ما را با جمهوری اسلامی سخت تر میکند.

مخالفت و حساسیت ما در این مسئله از اینجا نشاط میگیرد و گرنه این ها (دولت و اپوزسیون راست) جزو یک جنبش و طبقه ی واحد هستند، هم جنگ و هم صلح آن ها همیشه به ضرر است و هیچ منفعتی برای

به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید!

معامله، بند و بست، و...

جمهوری اسلامی میدانند فرق پایه ای حتی با همان کردهای همراهش در داخل کشور ندارند، احزابی که نه تنها مثلاً اعتراضی به ثروت باد آورده امثال خامنه ای ها ندارند بلکه خودشان هم در آرزوی سهیم شدن در این چپال و دزدیها هستند، و چنانچه قبول کنند "اسلحه" نداشته باشند این احزاب در کوردستان میتوانند سهیم قدرت در سایه جمهوری اسلامی باشند و در اقتصاد شریک باشند. بنظر من کل این پروژه از کنگره مشاهیر تا مذاکره با احزاب اپوزسیون همان جنبش ناسیونالیستی هدف محوری رژیم اسلامی این است که با ایجاد پل "دوستی" با ناسیونالیسم کورد به هر شکلی شده خطر یک جنبش گسترده کارگری-اجتماعی-انقلابی که به عنوان آتش زیر خاکستر عامل اصلی تنک کردن فضای جامعه کردستان به جمهوری اسلامی است، و از روز اول نه فقط به جمهوری اسلامی که حتی به همین ناسیونالیسم کاسه لیس در "کنگره مشاهیر" ها هم نه گفته است، نه تنها هرگز موجودیت جمهوری اسلامی را نپذیرفته که یورش و سرکوب و جنایتش را با قدرت پاسخ داده، و یک سنت انقلابی و کمونیستی با هزارها جانباخته چه در صف اول ماه مه ها و چه در میدان مبارزه مسلحانه کردستان ایران تبدیل کرده است و هرگز و هرگز نه با مذاکره و نه با جنگ تا پایان عمر جمهوری اسلامی از پای نخواهد نشست! پس ماهیت این نوع کنگرها و هدف از آن بنظر من در گام نخست تلاش برای زیر پا خالی کردن تاریخ و مبارزه و سنتی است که اشاره کردم و در نهایت فراهم کردن یک محور "آشتی کوردایتی-شیعه گری" با رهبری جمهوری اسلامی.

گردانندگان و شرکت کنندگان "کنگره مشاهیر کورد" و همقطارانشان هیچ مشکلی با حکومت مرکزی ندارند، اما ما داریم، اکثریت جامعه دارد، بسیاری هستند که حتی بطور فردی و خانوادگی از جمهوری اسلامی و عواملش شاکي هستند، هزارها خانواده هستند

که به خاطر جمهوری اسلامی خانواده هایشان را از دست دادند، زندگیشان نابود شده فرزندانشان از بین رفته و در زندانها به آنها تجاوز شده، برای این نسل و اکثر جامعه جمهوری اسلامی و داعش یک پدیده واحد جنایتکارانه، باید حساب پس بدهند و از بین بروند! همین الان هر روزه جمهوری اسلامی کولبری را میکشد کارگری که به خاطر فقر و بدبختی به طرف اعتیاد رفته است، یا حتی به طرف عراق میرود که ظاهراً "حکومت کوردی" در آنجا است اما در آن جا نیز در کوچه و پس کوچه ها و خیابان ها میخوابند و از سرما میمیرند و یا پولشان را میخورند و کسی هم جوابگو نیست. در همین سندنجی که بسیاری از جریانات اسلامی و ناسیونالیستی بنا به همکاری و یا نقشه خود رژیم

روی آن تمرکز کرده اند) چرا اینو مثلا کمتر در مهاباد که سنتا قبلگاه ناسیونالیسم بوده و هست دست به این کارها نمیزنند جای تعمق است، و دلیلی برای آنچه که گفتیم روی چپ و فرهنگ و تاریخ انقلابی و کارگری جامعه کردستان تمرکز کرده اند،

و سندنج یکی از مراکز اصلی آن بوده، آن شهر را تبدیل به یکی از کانونهای تحرک ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی کرده اند). "کنگره ی دانشجو های کورد"، "دو خردادی ها"، "جبهه متحد کورد"، "کنگره" پیشمرگان مسلمان"، و اکنون "کنگره" نامشاهیران "کورد" و غیره را در شهری راه انداخته اند که مرکز آزادیخواهی و چپ، شهر بیست و چهار روز مقاومت جانانه ای مردمی است که علیه حمله ی وحشیانه جمهوری اسلامی ایستادند، و یک نوع "کوبانی" بود برای خودش. جمهوری اسلامی میخواد این تاریخ را پاک کند و مجموعه ای آدم ضعیف و تسلیم طلب و مزدور را دور خودش جمع کند تا بتواند راحت تر کارش را دنبال کند. آن وقت دیگر آزادی و حقوق زنان و کارگران و کودکان و مسئله "حق ملی" هم معنایی ندارد. پول سر سپردگی خودت را بگیر و مسائل دیگر را فراموش کن. حکومت جمهوری اسلامی در کردستان به یک نیروی اجتماعی از این جنس احتیاج دارد تا "اشغالگر" تصور نشود، بلکه از نگاه جنبش ضد انقلابی کاسه لیسان اسلامی-ناسیونالیستی "دوست کوردها" قلمداد گردد.

این تنها مسیری است که جمهوری اسلامی میتواند به هدف محوری خود که عبارت است از به انزو کشاندن جنبش سوسیالیستی و کارگری و مبارزه و خصوصیات چپی و از این طریق تأمین تسلط بیشتر بر جامعه کردستان، که با این پیشروی دستش حتی برای تداوم جنایت در سطح سراسر ایران بازتر خواهد شد. هدف بیرون مرزی این پروژه رژیم در عین حال پایان دادن به موجودیت و یا خطر "مبارزه مسلحانه" در کوردستان علیه خود است. کاری بکند مثلا مانند قاضی محمد و دوران های قبل تر که انجام داده اند. همانطوری که چند سال است

بجز موارد بسیار محدود و ناموفق، نگذاشته اند گلوله از تفنگ کسی دربرود، و از راه اتحادیه ی میهنی و اقلیم کردستان آن ها را در مرز ها نگه داشته اند. رابطه چنین کنگره های مضحکی با خبر مذاکرات مضحک تر با احزاب علنی و مسلح همین جنبشی که در داخل با جمهوری اسلامی کنگره و دغه و دایره و رقص کوردی دایر میکنند همان است که عرض کردم. به این معنی میخوادند به رادیکالیسم درون جامعه ضربه بزنند، به چپ و مبارزه ی آزادیخواهانه ی که برای مثال همین چند روز پیش برای نجات يك نفر از اعدام در سندنج اعتراض میکنند و موفق میشوند، ضربه بزنند.

معامله، بند و بست، و...

وجود ستم و نابرابری واقعی که میبینم و به آن معتزضیم بهره میگیرند

تا ما را سرباز خود کنند و برای مقاصد دیگری مورد استفاده قرار بگیریم. ناسیونالیسم ما را راضی میکند که برای او مبارزه کنیم و "پیشمرگ" شویم و برایشان بمیریم تا او قدرت فاسدش را به دست بگیرد.

ناسیونالیسم خاصیت مذهب را دارد میگوید اگر تو بمیری به بهشت میروی. دورانی یادم هست لوله ی تفنگ را روی سرش میگذاشتی چشمهایش را نمی بست چونکه عمیقاً باور داشت به بهشت میرود. بهشت و دنیایی که پر از حوری و مزخرفات دیگر است! به نوعی دیگری خرافات ناسیولیستی همین بلا را سر نسل بخشی از جوانان می آورد. جمهوری اسلامی این ظرفیت را دارد هر دو خرافه را، حداقل بخشی از نیروی آنها را در خود هضم کند. همانطور که بخشی از شونیسیم فارس یا ناسیونالیسم ترک و اسلام عرب زبان را نیز بخشا در خود حل کرده است. به همین ترتیب جمهوری اسلامی حتی می تواند با ترکیب دو خرافه مذهب و ناسیونالیسم کورد کلیت یا بخش مهمی از جنبش بورژوازی کورد را در خود حل کند. اما گفتیم علیرغم خواست جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم کورد ما تخم تاریخ و سنت و ویژگی های جنبشی متضاد با ناسیونالیسم و مذهب در کردستان ایران کاشته ایم، و در جریان است و کار آنها را بسیار سخت تر کرده است. قرار است همین مانع را با آن پروژه های مشترک و غیر مشترکی که دارند از سر راهشان بر دارند. روزی با جنگ مسلحانه جلو آمدن نتوانستند، امروز با جنگ نرم در قالب "کار فرهنگی و ملی" و مساجدشان و تداوم دشنامگویی به ما سوسیالیستها و خرافه گریزان آزادیخواه جامعه.

امروز برای همگان عیان است که در کلیت خود دو شکل از "مبارزه" و "امید" حتی در برخورد به مسئله ملی در جریان است که گویایی بی ربطی آن دو بهم را می رساند. چیزی به اسم "منافع مشترک کوردها" نداریم!، این دروغ است! همانطوری که جنبش و اهداف واحدی هم برای "فارسها" و ترکها و بقیه نداریم!، در هیچ زمینه ای!.

"کنگر مشاهیر کورد و امثال ان پروژه آشتی بخش ناسیونالیست و بورژوازی "کوردها" است با جمهوری اسلامی، و "حل صلح آمیز مشکل کورد" و غیره با حفظ و دفاع از بقای جمهوری اسلامی!، درست مانند برخی دیگر جنبشهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی در سراسر کشور کمترین فشار و تفاوتی نسبت به جمهوری اسلامی از آنها دیده میشود، چرا که عمدتاً شریک قدرت اند، بخشهای "ملیتانت و مسلح" همین جنبش نیز با استراتژی "مذاکره، جنگ، مذاکره" در صدد مذاکره و بندو بست با حاکمیت اند، و در مقطعی تماماً پشت به کشور دیگری و یا همراه شدن با نقشه های جنگی امثال امریکا میبندند،

در اینجا است باید یاد آوری کرد کلیت پدیده ناسیونالیسم با اصل رسالت آزادی جامعه و آزادی انسان تناقض دارد و میتواند شمارا به هر مسیر سیاهی سوق بدهد از جمله به آخوش خونین جمهوری اسلامی! ناسیونالیسم خرافات است و ابزار دفاع از حاکمیت زورگویان و سرمایه داران. پروپاگاند احزاب ناسیونالیستی که به همان زورگویان و سرمایه داران تعلق دارند از احساسات ساده و اولیه ما انسانها و از وجود ستم و نابرابری واقعی که میبینم و به آن معتزضیم بهره میگیرند تا ما را سرباز خود کنند و برای مقاصد دیگری مورد استفاده قرار بگیریم. ناسیونالیسم ما را راضی میکند که برای او مبارزه کنیم و برایشان بمیریم تا او قدرت فاسدش را به دست بگیرد.

مبارزه ای که در اخلاق و سنت ناسیونالیستی نیست، سنت چپ و آزادیخواهانه اینگونه است، سنتی که انقلابی بودن و انسانیت و حق حیاط قائل شدن برای هر انسانی میتواند چنین در فکر و اعمال و مبارزه اش نمایندگی شود و هر روز به دنبال نجات اعدام کسی و روز بعد پیش گیری از قتل ناموسی و روز بعد گرفتن حق کارگر از حلقوم سرمایه دار کورد و غیر کورد و ... این جنبش کارگری-سوسیالیستی جامعه کردستان است که چنین مبارزه و فضای را تأمین کرده است. نه ناسیونالیسم و مذهب و جمهوری اسلامی! و نه حتی "جنبش انقلابی کردستان" بطور کلی، عنوانی که خط سیاسی ناسیونالیست-پوپولیست حاکم بر بخشی از چپ همواره استفاده میکند. کسی که به دنبال بست و مقام و پول باشد، در این دنیای مملو از ظلم و جنایت همه هم و غمش "زبان کوردی" شده، هر دولتی برایش رقص و کنگره و خواننده ای برایش ترتیب بده عین خیالش نیست که کسی آزادی داره یا نه، کسی گرسنه هست یا نه، اعدام میکنند یا نه، بچه ی مردم گرسنه است یا نه! او پول مفت خود، ژست "کوردایتی" گرفتن خود و عادی جلوه دادن اینکه سرش همواره در آخور حکومتی است که حتی برای گرفتن "حقوق ملی" عقب مانده اش (براستی مطالبه آنها حتی ربطی به رفع ستم ملی واقعی هم ندارد، بلکه به این بهانه نان میخورند!) حاضر به هر شکلی از تن دادن به حکومت مرکزی هستند. هدف از برگزاری امثال "کنگره مشاهیر کورد" به منظور تقویت این سنت عقب مانده و ارتجاعی در کردستان، به هدف پرهیز از حل نهائی ستم ملی و مسئله کورد در آن کشور، و ضربه زدن به سنت رادیکال اعتراض-کارگری و سوسیالیستی در جامعه است.

در این رابطه مسئله ی خالقی محور نیست بلکه بخشی از تأمین کننده سوخت موتور کشتار و سرکوب و فریبی است که فرمانش دست جمهوری اسلامی میباشد. در برخورد به شخص او من برخورد و نظر بقیه و کسانی که به او "خیانتکار" گفتند و غیره را ندارم. حتی بعضی از افراد از نظر شخصیتی به او بی احترامی کردند و این جوابگو این داستان نیست. او برگشته دنیا خراب نشده! هزاران مانند خالقی چهل سال است در ایرانند، چهل سال است در جمهوری اسلامی اند، حتی بنظرم خالقی هزار بار شرافتمند تر و کم زیانتر بوده و هست از بیشتر رهبران احزاب اپوزسیون ناسیونالیست کورد. ما باید این را به پروژه ی جمهوری اسلامی در منطقه ربط دهیم. طبق اطلاعیه ای که من دیدم مظهر خالقی یکی از برجسته ترین چهره های حکومت اقلیم کردستان و اتحادیه ی میهنی او را همراهی و برگردانده اند. اگر قرار است حرفی بزنید باید به این توجه کنید. به این امر مهم معتزض باشید که جمهوری اسلامی با این کارها و همراهی این نوع "کوردها" دارد به پروژه اش تحت عنوان "هلال شیعه و کورد" کمک میکند. در مباحث پیشتر گفتیم بخشی از احزاب کوردی به معنای دقیق کلمه "حزب کوردی" عملاً در خدمت این سیاست جمهوری اسلامی جلو میروند.

در اینجا است باید یاد آوری کرد کلیت پدیده ناسیونالیسم با اصل رسالت آزادی جامعه و آزادی انسان تناقض دارد و میتواند شما را به هر مسیر سیاهی سوق بدهد از جمله به آخوش خونین جمهوری اسلامی! ناسیونالیسم خرافات است و ابزار دفاع از حاکمیت زورگویان و سرمایه داران. پروپاگاند احزاب ناسیونالیستی که به همان زورگویان و سرمایه داران تعلق دارند از احساسات ساده و اولیه ما انسانها و از

ادامه ←

معامله، بند و بست، و...

اما ما هم یک جنبش متضاد و ضد آنها هستیم که شامل هم "کورد" و هم فارس" و ترک" و "عرب" زبانها نیز هستیم. که هیچ همسویی و منافع واحدی با هیچ نوع ناسیونالیسمی در هیچ گوشه‌ی از ایران نداریم، همانطوری که با هیچ شاخه‌ی از اسلامی‌ها و جمهوری اسلامی هم نداریم.

جنبش ما کارگران و سوسیالیستهای جامعه کردستان به همراه سراسر کشور در مبارزه‌ی چهل ساله علیه ظلم و ستم و اعتراض به جمهوری اسلامی و قبل از آن در پروسه سرنگونی یک حکومت، نظام پادشاهی، از راه انقلاب نه از راه آمریکا شریک است. چهل سال است که در مسئله‌ی حجاب اجباری و جنایت و استثمار و ظلم به کارگران و زنان با بقیه‌ی شهرهای ایران هم صدا است. به همت این مبارزات در

دورانی جریانات چپ مانند کومله و چریک و پیکار و همچنین شکل گیری شورای کارگران "بنکه زحمتکشان" و دیگر سنتهای اولیه کمونیستی و آزادیخواهانه از جمله در کردستان ایران قد علم کرد. تاریخ و جنبش و سنتی نوینی که حزب دموکرات و زمان قاضی محمد هرگز به خود نه تنها نزدیک ندیده است که به اندازه جمهوری اسلامی مخالف عروج این مبارزه و فرهنگ و انقلابی گیری نوین کارگری و سوسیالیستی مردم زحمتکش جامعه کردستان بود و هست. در این تاریخ است که برای اولین بار یارتیزان و چریک و پیشمرگ هایی پیدا میشوند که با آرمان سوسیالیستی و آزادیخواهی و سکولار و شعار زنده باد سوسیالیسم یاسخ یورش جنایتکاران اسلامی می دهند و جان باخته اند، اولین بار بوده در این ابعاد اجتماعی زنده باد آزادی و برابری انسان در این منطقه به اهتزاز در می آید و به پرچم جنبش کارگری و آزادیخواهی کورد زبانان تبدیل میشود، و همین ناسیونالیسم کورد همزمان با جمهوری اسلامی با زور نظامی و تعرض و قیاحانه خواست نابودش کنند، شکست خوردند و نتوانستند.

الان متأسفانه از جانب برخی از شرکای قدیم ما در آن تاریخ به آن تاریخ و مبارزه در جهت خدمت به ناسیونالیسم پشت کردند و آسیب رسانده اند و از این روند برای امر دیگری از جمله کرنش بردن به جمهوری اسلامی سو استفاده میکنند، که خود من هم بخشی از این تاریخ پرافتخار سوسیالیستی و انقلابی در جامعه هستم.

میخواهم بگویم جمهوری اسلامی این چیزها را میدانند. از کردستان ضربه خورده، به ویژه از جانب ما کمونیستها. در کردستان علاوه بر اینکه پیروزی نظامی را به دست آورد، (این هم ضمن اینکه بر میگردد بر سیاست همیشه تسلیم طلبانه حزب دمکرات، عمدتاً ناشی از ناتوانی و نبود استراتژی درست سیاسی-نظامی رهبران آن وقت جریان چپ، غالب بودن سنت ناسیونالیستی بر فعالیت ما ها، خصوصاً بر رهبری آنزمان کومله بود) اما به قیمت گرانها جمهوری اسلامی و تروریستهای تازه به دوران رسیده سیاه پاسداران نیز تمام شد. در دهه شصت در عین حال که دهه پیروزی نظامی رژیم در کردستان است، اما دهه از بین بردن بخش زیادی از نیروهای جمهوری اسلامی نیز بود. در نتیجه جمهوری اسلامی از این تاریخ میترسد! میخواهد به هر شکلی شده نگذارد این تاریخ، از جمله تاریخ مبارزه توده ای و مسلحانه کمونیستها از نو او را جلنچ کند و دست جمهوری اسلامی را از سر جامعه کردستان قطع کند. این نظام همیشه از تاریخ

آزادیخواهانه و انقلابی چپ و کارگری در کل ایران و کردستان وحشت داشته و دارد!، به خصوص از این میترسد اگر دوباره اتفاق بیافتد پایه های جمهوری اسلامی ویران میشود، مرد سالاری و مذهب و ضد زن بودن جمهوری اسلامی از ریشه کنده میشود، و هر آنچه که جمهوری کثیف و جنایتکار اسلامی تحمیل کرده و کاشته در عرض چند ماه و چند سال دودش خواهیم کرد و بجایش آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی تامین خواهیم کرد!

اما همین رژیم نیز میداند که این پایه ها از جانب حزب دموکرات خراب نمی شوند! از جانب شرکایی حزب دمکرات، سازمانهای عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده خراب نمیشود!، چرا که سیاست اینها در خیلی موارد تفاوت پایه ای با رژیم اسلامی ندارد. ممکن است مقداری رفرم "کوردی" بیشتری بکنند، ممکن است اعتراضات "خانوادگی"

هم داشته باشند اما هیچیک از ارگان سیاسی، فرهنگی و نظامی و اداری که جمهوری اسلامی و سیستم ظالمانه سر مایه داری بر آن استوار است نه تنها از بین نخواهد رفت که با غلیظ تر کردن عوامفریبیهای "ناسیونالیستی-کوردی" ستمهای مضاعف تری را نیز بر ستمها و نابرابریهای موجود اضافه خواهند کرد.، نه برابری زن و مرد، نه قدرت مذهب و مسجد، نه ابزار سرکوب و زندان، نه ترور مخالفین، نه سرکوب کمونیستها و کارگران، نه آزادیهای سیاسی،... از جانب سازمانهای نامبرده اصیل ناسیونالیستی کوردی به نسبت دوره حاکمیت جمهوری اسلامی بهتر خواهد شد. این سیستم و فرهنگ غالب نه به وسیله سیاست و اهداف آنها و نه پ.ک.ک و پژاک و خیانت خراب نمی شوند. این سنتها و فرهنگ و قوانینی ضد انسانی که جمهوری اسلامی چهل سال است به مردم تحمیل کرده است فقط از جانب یک جریان کارگری و آزادیخواهانه و سوسیالیستی میتواند زیرو رو گردد و کاملاً از زندگی شهروندان کنار زده شود.

این کنگره ها را برای این میگیرند که صدای طبیل فرهنگ کوردی را با صدای شمشیر حضرت علی و روزه خوانی امام حسین شان در هم ادغام کنند تا بتوانند با ساز "حلال شیعه- کوردی" شان همنوا گردند. هنگامی که این موضوع به امر واقعی بخش قابل توجه ای از نیروهای ناسیونالیسم کورد تبدیل شده است چه فرقی میکند سیستم و نظام چکاره است و چکار میکند. تو وقتی در سیستم و منافع آن سهمیم و شریک شدید بقیه داستان آسان حل خواهد شد. تو برولباس کوردی بپوش و درس خودت را بخوان و عکس خامنه ای هم پشت سرت باشد، اگر خیلی هم ناراحتی عکس رهبر خودت را هم کنار عکس خمینی و خامنه ای بگذار مشکل شما و جمهوری اسلامی حل میشود.

این کنگره ها را برای این میگیرند که صدای طبیل فرهنگ کوردی را با صدای شمشیر حضرت علی و روزه خوانی امام حسین شان در هم ادغام کنند تا بتوانند با ساز "حلال شیعه-کوردی" شان همنوا گردند. هنگامی که این موضوع به امر واقعی بخش قابل توجه ای از نیروهای ناسیونالیسم کورد تبدیل شده است چه فرقی میکند سیستم و نظام چکاره است و چکار میکند. تو وقتی در سیستم و منافع آن سهمیم و شریک شدید بقیه داستان آسان حل خواهد شد. تو برولباس کوردی بپوش و درس خودت را بخوان و عکس خامنه ای هم پشت سرت باشد، اگر خیلی هم ناراحتی عکس رهبر خودت را هم کنار عکس خمینی و خامنه ای بگذار مشکل شما و جمهوری اسلامی حل میشود. به نظر من جمهوری اسلامی اگر از روز اول با این ها سازش میکرد اصلاً حزب دموکرات به این شکل درست نمیشدو به این مرحله نمیرسید. جمهوری اسلامی حتی به دلیل رفتار تند و فاشیستی کاری کرد حتی برادران مجاهدین خلق اش هم به اپوزسیون تبدیل شوند. اما با اندکی نرمش توانست بخش دیگری از همین نیروهای جنبش ملی و مذهبی در نقاط مختلف کشور از جمله در کردستان در سیستم جمهوری اسلامی ادغام و بخشا به ثروتهای باد آورده دست پیدا کرده اند و اساساً این بخش از ناسیونالیسم مسلمان و غیر مسلمان باعث تداوم بقای جمهوری اسلامی در کردستان شده اند. اساساً آن ها جمهوری اسلامی را در کردستان نگه داشته اند.

← ادامه

مذهب و ناسیونالیسم دو خرافه و دو جنبش ارتجاعی بورژوائی

معامله، بند و بست، و...

و مسئله کرد انتخاب و به سر انجام برسانیم. به جای حمله به خالقی و افراد باید به اساس فکر و سیاست و جنبش هایی که این راه را به ما نشان می دهند، به کلیت جمهوری اسلامی، و به ماهیت ناسیونالیستی و مذهبی عقب افتاده ای که چنین کار هایی انجام می دهد تمرکز داشت و معترض بود. جمهوری اسلامی باید گوش را گم کند! نه فقط در کوردستان بلکه در همه ی ایران!، چه "مذاکره" بکند یا نه، چه کنگره "مشاهیر کورد" برگزار کند چه نکند، تنها راه نجات و رهایی قطعی سرنگون کردن این حکومت است با قدرت و بازوی خودمان و با قدرت

نیروی سازمان یافته کارگری

و از ادیخواهانه ی خودمان، زیر پرچم سوسیالیسم، از سنندج و بوکان و سقز تا تبریز و تهران و همه نقاط کشور. این است وظیفه میرم همه مبارزین راه آزادی و برابری و همه کسانی که آرزوی سرنگونی فوری جمهوری اسلامی را دارند. زنده باشید!

توضیح: این متن پیاده و ادیت شده گفتگویی است که "صدای سوسیالیسم امروز" به زبان کردی با رفیق سلام زیجی در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۹۸ (۴ جولای ۲۰۱۹)، قبل از شکستن سکوت چند روزه و اقرار اجباری "نماینده" یا نمایندگان جریانات ناسیونالیست کورد شرکت کننده در مضحکه "مذاکره" سری با جمهوری اسلامی" در نرویز انجام داده بودند.

گفتگوی تصویری از جانب رفیق ناصر زیجی و پیاده کردن و ترجمه آن به زبان فارسی از جانب رفیق تینا خلیفه ی صورت گرفته است. ضمن تشکر فراوان از هر دو رفیق یاد آوری میکنیم به منظور رسانده کاملتر نظرات مصاحبه شونده در مواردی در متن فارسی اصلاحات ویا توضیحات بیشتری اضافه شده است.

این هم لینک فایل تصویری گفتگو به زبان کردی:

http://www.hawpshti.com/19/?p=2700&fbclid=IwAR0G62W71u-lOq0eSAPOBZ6pm52pd4cyB_DevKZ4rPHyBypdTcvz4yJJRbQ

Iransocialist2017@gmail.com

**به حزب سوسیالیست انقلابی ایران
پیوندید!**

برگزاری چنین کنگره های محصول این روند، و همانطوی که قبلا اشاره کردیم در راستایی استراتژی بقای جمهوری اسلامی و کشاندن بخش هر چه بیشتری از جنبش بورژوا ناسیونالیست کورد به زیر چتر سیاستهای خود به مثابه یکی از جنایتکارانه ترین و مجرمتترین دولت بورژوا-اسلامی تاریخ .

این کنگره مرتجعین اسلامی و ناسیونالیستی با "ناودار" قلمداد کردن

جمهوری اسلامی کسی را به کنگرهاش میبرد ضربان قلبش با ضربان قلب جمهوری اسلامی بزند، ضد و مخالف نباشد، حداقل موازی باشد و جمهوری اسلامی را خنثی نکند، در چهار چوب استراتژی بقای جمهوری اسلامی یکدیگر را تکمیل کنند. امیدوارم مردم از ادیخواه کوردستان وصف انسانهای مبارز و شرافتمند شهر سنندج این مضحکه را تحریم کرده باشند، علیه آن موضع بگیرند، و نشان بدهند هوشیارتر از آنند که یک مشت خود فروخته، یک مشت مزدور جمهوری اسلامی بتوانند با پوشیدن دو تیکه پارچه لباس کوردی نهادهای جنایتکار این نظام بتوانند افکار عمومی شهروندان را مهندسی کنند و فریب بدهند، امیدوارم همانند این چهل سال، با قامت بلندتر و اراده انقلابی تر متحدانه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و همه بساط فارسی و ترکی و کوردی آنها و علیه کلیه پروژه های ارتجای از نوع "کنگره مشاهیر" را به زودی منهدم کنیم و یک دنیای آزاد و برابر برای همه، و یک راه حل انسانی و پایدار برای حل ستم ملی و مسئله کرد انتخاب و به سر انجام برسانیم.

یک مشت خواننده و عناصر حاشیه ای و کاسه لیس بزرگترین توهین به شعور مردم سنندج، مردم کوردستان و افکار عمومی کردند، آنها با کنگره "ناودار" های بی مایه شان همان هدفی که بیشتر تشریح کردیم این پیام را به همه دادند که گویا، بجز این چند کاسه لیس، صف صدا و هزارها هنرمند و سیاستمدار و تحصیل کرده و انسانهای خوش نام جامعه له خودشان را فروخته اند، و آن هزارها انسان واقعا خوشنام و الگویی جامعه کوردستان که در میدانها مختلف مبارزه و در زندانها و با شلیک اوباش این حکومت فاشیست کشته شده اند "ناودار" نیستند! کار اینها در همین شهر سنندج توهین به امثال جمال چراغ ویسی های است که هزار برابر "خوشنام تر" و "محبوب تر" و سر بلند تر از امثال خالقی ها بوده و هست. جمال چراغ ویسی را اعدام کردند در همان شهر

سنندج، ده ها و صدها انقلابی دیگر را اعدام و یا ناچار به ترک کشور کرده اند حالا باید ببینیم همین رژیم اعدام و ترور با همکاری یک مشت اوباش موجب بگیر "مشاهیر کورد" جلومان گذاشته اند که از شان قدر دانی کنیم، نخیر! شرمشان باد! که زیر بار پروژه های جمهوری اسلامی رفته اند.

جمهوری اسلامی کسی را به کنگرهاش میبرد ضربان قلبش با ضربان قلب جمهوری اسلامی بزند، ضد و مخالف نباشد، حداقل موازی باشد و جمهوری اسلامی را خنثی نکند، در چهار چوب استراتژی بقای جمهوری اسلامی یکدیگر را تکمیل کنند. امیدوارم مردم از ادیخواه کوردستان وصف انسانهای مبارز و شرافتمند شهر سنندج این مضحکه را تحریم کرده باشند، علیه آن موضع بگیرند، و نشان بدهند هوشیارتر از آنند که یک مشت خود فروخته، یک مشت مزدور جمهوری اسلامی بتوانند با پوشیدن دو تیکه پارچه لباس کوردی نهادهای جنایتکار این نظام بتوانند افکار عمومی شهروندان را مهندسی کنند و فریب بدهند، امیدوارم همانند این چهل سال، با قامت بلندتر و اراده انقلابی تر متحدانه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و همه بساط فارسی و ترکی و کوردی آنها و علیه کلیه پروژه های ارتجای از نوع "کنگره مشاهیر" را به زودی منهدم کنیم و یک دنیای آزاد و برابر برای همه، و یک راه حل انسانی و پایدار برای حل ستم ملی

مرگ بر جمهوری اسلامی!

گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر مرادی، فعال کارگری در باره: زندانیان سیاسی، جنبش شورائی و شعار "جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن"



سوسیالیسم امروز: گفتمان ایجاد شوراهای کارگری و یا شوراهای عمومی از نظر عملی چه گامهای در جهت ایجاد آن و گرد هم آوردن کارگران در مراکز کارگری برداشته شده است، آیا در مناطق مسکونی و محلات شهر و روستاها جنبشی در این رابطه در جریان هست یا هنوز در سطح ایده و طرح میباشد؟

جوانمیر مرادی: ایجاد شوراها امروز دیگر یک ایده نیست. شوراها حداقل در دوره بیش از صد ساله اخیر بارها در مقاطع مختلف توسط کارگران و مردم برای دفاع از منافع و زندگی خود و همچنین اعمال اراده مستقیم بر اداره امور جامعه در کشورهای مختلف و از جمله در جریان انقلاب ۵۷ نمود واقعی پیدا کرده و تأثیرات تعیین کننده ای هم در دوران حیاتشان بر زندگی اکثریت مردم و دخالتگری توده ای بر سرنوشتشان داشته اند. در نتیجه امروز باید از ضرورت ایجاد شوراها در پیشبرد مبارزات کارگران و دیگر بخش های معترض و حق طلب جامعه صحبت کرد.

طی بخصوص نزدیک به دو دهه گذشته، کارگران ایران در جریان هر اعتراض و اعتصابی به طور غیر رسمی و شاید بی آنکه خود آگاه بوده باشند، شوراهای مقطعی ایجاد کرده اند.

بنا به شرایط اختناق و سرکوب و نبود آزادی ایجاد هر نوع تشکل مستقل و واقعی کارگری و عدم وجود نرم هایی که در کشورهای با نظام های متعارف سرمایه داری که مسیر کم خطر چانه زنی بر سر تامین حداقل هایی از حقوق کارگران با نمایندگان اتحادیه ها و سندیکاها در پیش گرفته اند، کارگران در ایران ناچار هستند برای رسیدن به هر میزان اندکی از خواستههایشان به شیوه دستجمعی و رو در رو به مصاف کارفرما بروند. در نتیجه قبل از شروع هر اعتصاب و اعتراضی، دور هم جمع می شوند و در مورد چگونگی پیشبرد اعتراض و اعتصابشان و تعیین نمایندگان خود هم نظری و اتخاذ تصمیم مشترک می کنند. این نوع نشست های جمعی که همان مجامع عمومی هستند در جریان اعتصابات هم برگزار می شوند که این خود رکن اصلی شورا است. اما اشکال کار آن جاست که بعد از پایان اعتصاب و اعتراض، مجامع عمومی نیز به فراموشی سپرده می شوند و برگزار نمی گردند.

بنابراین می بینیم که برگزاری مجامع عمومی اقدامی کاملاً آسان و شدنی برای کارگران و هر بخش معترض دیگر است و از آنجا که رکن اساسی شورا مجمع عمومی است، در نتیجه با اطمینان می شود ادعا کرد که شورا آسان ترین نوع تشکیلی کارگری و توده ای است. کفایت که همان نشست های جمعی یا مجامع عمومی را در کارخانجات و مراکز کارگری و محلات ادامه دار

سوسیالیسم امروز: متأسفانه هنوز تعدادی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و اعتراضات هفت تپه و دیگر نقاط در زندان بسر میبرند، آخرین خبر شما از سر نوشت زندانیان چیست و چه تلاشهای برای آزادی آنها و تحت فشار قرار دادن حاکمیت در جریان است؟

جوانمیر مرادی: بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و همچنین هفت تپه همچنان تحت فشار وزارت اطلاعات هستند. با گذشت بیش از دو ماه از برگزاری مراسم با شکوه روز جهانی کارگر مقابل مجلس که بیش از ۵۰ نفر از کارگران، معلمان، دانشجویان، جوانان، نویسندگان و روزنامه نگاران در آن بازداشت شدند، گرچه اکثراً به طور موقت و با تودیع وثیقه و کفالت آزاد شده اند و هر آن ممکن است احضار، بازجویی و دوباره بازداشت شوند، چهار نفر به اسامی مرضیه امیری، عاطفه رنگریز، ندا ناجی و آنیسا اسداللهی هنوز در بازداشت و زیر فشار و بازجویی هستند.

اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی و امیر حسین محمدی فرد از بازداشت شدگان هفت تپه نیز با گذشت هفت ماه از اعتصاب کارگران هفت تپه همچنان تحت فشار برای اعتراف گیری و به اصطلاح ساختن طرح سوخته دیگری هستند.

با وجود اینکه تعدادی از بازداشت شدگان از جمله مرضیه امیری بیمار است و ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد به دلیل اعتصاب غذا در شرایط ناگوار جسمی به سر می برند، اما دستگاه های سرکوب نهایت فشار و شکنجه و اذیت و آزار خود را بر آنها وارد می کنند تا شاید به خواست ضد انسانی دستگاههای اطلاعاتی و قضائی تن بدهند، اما بازداشت شدگان مصممانه دارند مقابله می کنند و در زندان و بازداشت هم دست از مبارزه بر نمی دارند. نمونه های این مبارزات، اعتصاب غذای ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد و تحصن سپیده قلیان در مقابل دفتر رییس زندان در اعتراض به اعمال ذکر شده هستند.

در بیرون از زندان نیز مبارزات و اعتراضات سراسری و وسیعی در حمایت از نه تنها بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و هفت تپه، بلکه در حمایت از فعالین بازداشتی در عرصه زنان هم در جریان است و طومارهایی در گردش هستند که تا کنون هزاران نفر آنها را امضاء کرده و ضمن اعتراض شدید به سرکوبگرها و بازداشت فعالین توسط ارگان های سرکوبگر، خواهان آزادی همه بازداشت شدگان و مختومه شدن کلیه پرونده های امنیتی علیه فعالین و معترضین شده اند.

← ادامه

زنده باد نظام شورایی! زنده با نظام سوسیالیستی!

چند رویداد مهم از نگاه چند تصویر ←



۱۶ میلیون نفر در ایران حاشیه‌نشین هستند!

ماهانه ۱۰۰ هزار نفر بیکار تولید می‌شود!

رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: هر ماه ۱۰۰ هزار نفر به لشکر بیکاران اضافه می‌شود.

شناسایی بیش از ۲ هزار کودک زیر ۵ سال مبتلا به سوء تغذیه در یزد

روز یکشنبه ۲۳ تیر ۹۸ معاون حمایت و سلامت خانواده کمیته امداد در استان یزد اذعان کرد که تحت حکومت ولی فقیه حدود ۲ هزار و ۲۰۰ کودک زیر ۵ سال مبتلا به سوء تغذیه در استان یزد شناسایی شده اند.

کودکان مبتلا به سوء تغذیه از نظر شاخص‌های رشد مانند وزن، قد و شاخص‌های تغذیه در وضعیت مناسبی نیستند. همچنین اختلال در رشد و تکامل مغزی و جسمی، افزایش هزینه‌های درمانی و مراقبت‌های پزشکی و افت تحصیلی از پیامدهای نامطلوب سوء تغذیه کودکان است که تاثیرات نامطلوبی بر جامعه می‌گذارد.



گفتگوی نشریه "سوسیالیسم امروز" با جوانمیر مرادی، ...

و منظم کرد تا رسماً بشود نام شورا را بر آن گذاشت و اعلامش کرد. به این اعتبار می‌شود گفت که شوراها سال‌هاست که به شیوه غیر رسمی و اعلام نشده و مقطعی در همه عرصه‌های مبارزاتی کارگری کاربرد داشته‌اند، اما امروز باید بر ضرورت ادامه کاری و توسعه آنها تاکید کرد.

”مردم حاضر نیستند گوشت

دم توپ جنگی بشوند که هیچ ربطی به منافع و امنیتشان ندارد. جوانان و اکثریت مردم

کارگر و زحمتکش دیگر حاضر نیستند خود را

فدای امنیت کسانی کنند که با آرامش

چپاول، غارتگری و اختلاس کنند،

حقوق‌های نجومی بگیرند و در مقابل،

سهم خودشان گرسنگی، فقر،

بیکاری، زباله گردی، کارتن خوابی،

اعتیاد، تن فروشی، کلیه فروشی و

غیره باشد.“

سوسیالیسم امروز: اخیراً شعار «جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن» در تجمع اخیر بازنشستگان توجه‌ها را به خود جلب نمود. منظور و هدف از دادن چنین شعاری چیست؟

جوانمیر مرادی: شعار «جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن» پیام روشنی دارد. این شعار بازنشستگان، تنها بازتاب اعتراض و نفرت از جنگ افروزی و وجود فضای جنگی بازنشستگان نیست، بلکه انعکاس اعتراض سراسری کارگران، معلمان، دانشجویان، جوانان، بیکاران و اکثریت مردمی است که زندگیشان به قهر فلاکت کشانیده شده است و چهل سال است که بهای کشمکش‌ها و سهم خواهی‌های حاکمیت ایران با حکومت‌های منطقه و جهان را با فقر، بیکاری، گرانی و کمبودهای فراوان دیگر می‌دهند و امروز با بر طبل جنگ کوبیدن توسط طرف‌های متخاصم نه تنها بر گرفتاری‌های معیشتی تاکنونی افزوده، بلکه جانشان هم در معرض خطر جدی قرار گرفته و بعلاوه وقوع جنگ آوارگی، خانه خرابی و از هم پاشیدن شیرازه جامعه را آماج خود قرار خواهد داد.

روی دیگر پیام این شعار این است که مردم حاضر نیستند گوشت دم توپ جنگی بشوند که هیچ ربطی به منافع و امنیتشان ندارد. جوانان و اکثریت مردم کارگر و زحمتکش دیگر حاضر نیستند خود را فدای امنیت کسانی کنند که با آرامش چپاول، غارتگری و اختلاس کنند، حقوق‌های نجومی بگیرند و در مقابل، سهم خودشان گرسنگی، فقر، بیکاری، زباله گردی، کارتن خوابی، اعتیاد، تن فروشی، کلیه فروشی و غیره باشد.

از همه تشکلهای کارگری، احزاب مترقی و سوسیالیست، و از افکار عمومی می‌خواهیم حول "نه به سیاست دولتهای آمریکا و ایران"، "نه به ماجراجویی نظامی آنها"، "نه به تحریم اقتصادی" و نه به هر نوع تلاشی برای شروع جنگ ویرانگر به میدان بیایند، و متحدانه یک صف مترقی، آزادیخواهی، و ضد جنگ و ضد تروریسم و قلداری آن دو دولت مرتجع را در ایران و جهان شکل بدهیم.

چند رویداد مهم از نگاه چند تصویر



اعدام در ایران

اعدام سه زندانی در زندان میناب

پس از گذشت ۲۱ سال از قتل‌های زنجیره‌ای؛ اعتراف پورمحمدی: این قتل‌ها «خودسرانه نبود»



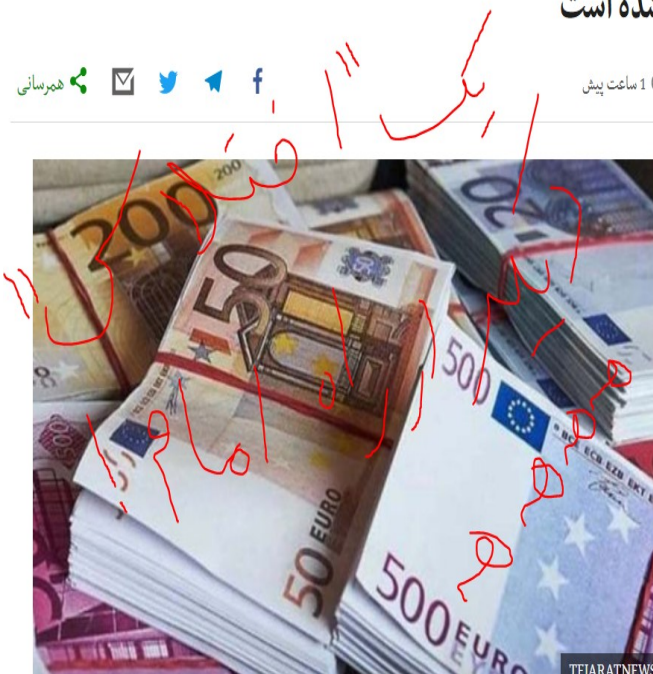
هفت تبه-کانال مستقل کارگران
کمیون حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تبه و زندانیان
Forwarded from
ترقی‌خواه



کمیون حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تبه و زندانیان
Forwarded from
ترقی‌خواه

رئیس دفتر روحانی: نزدیک به یک میلیارد یورو ارز دولتی گم شده است

1 ساعت پیش



رئیس دفتر رئیس جمهور ایران گفته بیست شرکت دارویی و وارداتی یورو با قیمت دولتی گرفته بودند که باید درباره آن گزارش بدهند

زنگنه: نفت‌دزدی یک رئیس حراست از لوله اصلی نفت با حفر چاهی پنج متری



پس از سخنان وزیر نفت درباره «نفت‌دزدی» رئیس حراست یکی از ادارات وزارت نفت، یک نماینده مجلس نیز گفت که تعدادی از نیروهای حراست وزارت نفت اقدام به قاچاق نفت می‌کردند.



حضور حمایتی
امروز تعدادی از اعضای خانواده و دوستان #زندانیان_هفت_تبه برای پیگیری وضعیت آنان و به منظور حمایت از آنها، مقابل زندان اوین حضور یافتند.
- کمیون آزادی بازداشت‌شدگان هفت‌تبه و زندانیان ترقی‌خواه
@zendani7tapeh 239 19:26

با تشکیل پرونده ای جدید، گلرخ ایرایی و آتنا دافمی به سه سال و هفت ماه حبس محکوم شدند. دادگاه انقلاب تهران گلرخ ایرایی، زندانی سیاسی سابق و آتنا دافمی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین را ۱ هر کدام به سه سال و هفت ماه حبس و ۲ سال ممنوعیت از عضویت از عضویت در احزاب محکوم کرده است.
اتهامات این گلرخ و آتنا «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به رهبری» عنوان شده است.
آخرین جلسه دادگاه این فعالین روز سه شنبه ۲۸ خردادماه ۹۸ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمن افشاری برگزار شده بود.
مصادق این اتهامات «اعتراض به اجرای حکم اعدام سه زندانی سیاسی در حین خواندن سرود در سالن ملاقات» و همچنین «صدور بیانیه‌ها و نامه‌هایی از زندان» عنوان شده است.
#خواست_سراسری_آزادی_زندانیان_سیاسی
anjomanbfc@





"بۆ رووخاندنی کۆماری کۆنهپهرستی ئیسلامی پیویسته یه کگرتووانه بینه ریزی خهباتی کریکاری و سوسیالیستی یه وه!" (وتووێژیک له گهڵ سهلام زیجی، به رپرسی شۆرای ریبهری حیزبی سوسیالیستی شۆرشگیزی ئێران) گفتوگۆی عبدالرحمن عزیز، سایتی کوردجۆرنال

*نایا مهیدانی کاری نیوه نهووپایه یاخود کوردستانی باشوور؟

*بۆچی پارتی سوسیالیستی شۆرشگیزی ئێرانتان دامهزراند؟ نایا ههیکهلی تهنزیمی مۆدێرنه یاخود شکلی پارتی کلاسیکی ههیه؟

ولام: مهیدانی چالاکای ئیمه بهگشتی ولاتی ئێرانه و تهناهندت جیا له بهشی ههره زۆری نهئدامانمان بهلگوو بهشیک له نهئدامانی شۆرای ریبهری حیزبیش به شیوازیکی زۆر نهینی له ناوخۆی ولات دهژین، یهکیک له جیاوازیکانی ئیمه و زهروورتهی دامهزراندنی ئهم حیزبه پشت بهستن به چالاکیهکانی ناوخۆی ولاته نهک پشت بهستن به ئهم یان ئهو ولات یان به شیوهی خهباتی هیندی له حیزبهکان که له کهمپهکانی ههریمی کوردستان ماونهتهوه. ئیمه له ئهروپا چالاکیهکی ئهوتومان نیه ههموو هیزی خۆمان بۆ ناوخۆی ئێران تهرخان کردوه

ولام: بۆ ئهوهی تیکۆشانیککی نوێ بۆ ولام دانهوهی گونجاو و شۆرشگیزانه بهم ههڵ و مهرحه خهباتکارانه که له بواری بزوتنهوهی کریکاری و ژنان و جهماوهری شۆرشگیز دژ به دهمهلاتی فاشیستی کۆماری ئیسلامی له ئارادایه بدریتهوه، بۆ ئهوهی ناسۆینیککی پروناکتر و شۆرشگیزانهتر و سوسیالیستی نوینهرایهتی و به هیزتر بکریت و نیزن نهدریت جاریککی دیکه کۆنهپهرستان و سهرمایهدارانای ناوخۆ و دهرهکی بهر ههمی خهباتی پر له خوین و رهنجی له میژینهی کریکاران و زهحمتهکیشان به قازانجی خویان بقرۆنهوه یان بهر هو شکستیکی تری بهرن، و لهم پیناوهدا پینداری له سههر ئهوهی کۆماری ئیسلامی نهک لهری ئهمریکا و ئۆپوزسیونی راستی کۆپی کراوی کۆماری ئیسلامی و نه به زمانی خوش له سههر ریگای کۆمهڵگهی ئێران و کوردستان لاناچیت، بهلگوو تهنا به هیز و به یهکگرتوویی خۆمان و له ریگای دهست بردنی هاوکات و به کردهوه بۆ ههموو شیوازهکانی شۆرشگیزانهی خهباتی سیاسی و کریکاری و کۆمهلایهتی و چهکداری دهبنیت و دهکریت له سههر ریگای خۆمانی لابهین، پارتی سوسیالیستی شۆرشگیزی ئێران بۆ ئهم مهبهسته دامهزرا که بتوانیت ئهم بۆشاییانه که ههتا ئیستا له بواری خهباتی شۆرشگیزانهمان دژ به کۆماری ئیسلامی و سیستهمی سهرمایهداری ههیه پر بکاتهوه.

*زۆریهتی پارتیهکانی رۆژهلاتی کوردستان له لایهن بنهنامه له بهریوه دهبرین نایا نیوهش ههمان شت دووباره دهکهنهوه؟

ولام: نهخیر، ئیمه خۆمان به حیزبیککی سیاسی نهزانین و بۆ پینک هینانی حیزبیککی نوێ و به هیزتر و سیاسی تر و جهماوهری تر تیدهکوشین، حیزبیککی شۆرشگیز و سوسیالیست ههچ کاتیک ناتوانیت کولتور و شیوازی سیاسی و ریخراوهیی "پارتهکانی کوردستانی ئێران" یان شۆینیککی دیکه رهجاو بکات! نهک بنهنامهیی نین بهلگوو له کونفرانسی دامهزراندنی حیزب و ئهساسنامهی حیزب دا بریارمان داوه که تهناهندت ههچ کهسیک بۆی نیه زیاتر له ماوهی دوو کونگره ی حیزب له پۆستی سکرتهیری یان ههر پۆستیکی بالای حیزبی بهینیتهوه. ئیمه پیمان وایه حیزبی سیاسی نابیت "شیخ و شای" ههبنیت و کس یان به وتهی جهانبان بنهنامهیهک بۆ ههمیشه دهمهلاتی بهدهستهوه ههبنیت! حیزبیک که بهو شیوازه ببت کۆپی کراوی حکومهته دیکتاتورانه بویه ههر کاتیک ئهو جۆره حیزبانه بگهن به دهمهلات ههر بهو ریگایه ههنگاو دهینن که ئهو حکومهتانه دهینن! ههتا کاتیکیش له ئۆپوزسیۆن دان له راستیدا خهڵکانی دیکه له ناو ئهو جۆره حیزبانهدا دهو و رۆلێکی وها نابینن و له ئهساسدا له خزمهت "سکرتهیر" و "سهروک" و یان "بنهنامهیهک" دان!، ئهم شیواز و نهریته شیوازی دونیای ئهمرۆ و خهباتی پینشکوتووخوازانه نیه!

له بواری ههیکهلی ریخهستنی حیزبهوه ئهتوانم بلیم بههۆی هیندییک گیروگرفتهوه بهتایبهت نهبوونی پیداوایستی پیویست بۆ جئ به جئ کردنی پلانکهانمان و ههرهها به هۆی هیندییک هیرش و پیلانی دۆژمنکارانهی ئێران و چه ند لاینی تره وه کردهوهی نابهرپرسانهی هیندی لهو کهسانه که له سههرهتای دامهزراندنی حیزبی تازه دروست کراومان له دهرهوهی ولات که ههولیاندا تووشی شکستمان بکهن و ریگر بن له دروست کردنی ریبهرایهتیهکی هاوبهشی شۆرشگیز و ئاماده به کار و چالاک له دهرهوهی ولات و له ههریمی کوردستانی و ئێران بهلام به خوشحالییهوه به هۆی ئیراده و سووربوونی هاورییان و نهئدامانی سههرکردایهتی حیزب له سههر ئهم ریگایهتا توانیمان به سههر ئهم پیلان و کیشانهدا زال بین و سههرهتای ههبوونی ئهم کیشانه به بروای من حیزبیککی نوێ به شیواز و کولتوریککی جیاوازتر و مودرنتر و پینشکوتووتمان ههتا ئیستا دامهزراندوه. حیزبی ئیمه له ئهساسدا له ناوخۆی ولات و به نهینی چالاک ههیه و ریخهستنی ئیمه له سههر ئهم ئهساسه دروست کراوه. شیوازی ریبهرایهتی کردنمان له پیناوه ئهم ئامانجان و له ریگای سههرکردایهتیهکی "شۆرای" زۆر جیاوازتر لهوانهیه که ههتا ئیستا له ئۆپوزسیۆن دا بوونی ههیه و تهنها له حیزبی ئیمهدا بهریوه دهچیت واته "شۆرای ریبهری حیزبی سوسیالیستی شۆرشگیزی ئێران" ناوی بالاترین بهشی سههرکردایهتی حیزبه.

*دید و تیروانینی نیوه بۆ سزا نابوریهکانی سههر ئێران چیه؟ له پروانگهی نهوهی نیوه دژی سههرمایهدارین؟

ولام: بهلێ ئیمه دژی سیستهمی سههرمایهدارین و "سزای نابوری" و شهر و کوشنار و نایهکسانیهکان و ههموو مالویرانهکانی ئهم ههمووی ریشهی له ئهم سیستهمه گهندهله و تاونکاره دا دهبینن! سزای نابوری و نان برینی خهڵکی کۆمهڵگه، واته به کۆمهڵ کوژ کردنی نابوری؛ ناوهرۆکی راستهقینه و دژه مروقانهی سیستهمی سههرمایهداری زۆر به باشی ئاشکرا تر دهکات.

بۆ رووخاندنی کۆماری کۆنهپهرستی ئیسلامی

پیویسته یه کگرتووانه بینه ریزی خهباتی کریکاری و سوسیالیستی یه وه!"

روزهای یکم و پانزدهم هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

بویه "سزای نابووری" به تاوانیکی گموره له دژی مرفقیایمته دوزانین و پیمان وایه پیش نموهی دهسه لاتی کوماری نیسلامی پی لاواز بیت، ریگا یو دمر باز بوونی نموه حکومته دیکتاتور خوس دهکات که له ژیر گوشار و خواستی نابووری و سیاسی و کولتووری کریکاران و کومهلگه دمر باز ببیت. واته هممو کمه و کوزیه کانی نیو کومهلگه به بیانوی نموه که دلنیت گهماروم لهسره شانی له ژیر چول دهکات، به واتاییکی تر "سزای نابووری" واته سزا بو سسر نموه بهشه له کومهلگه که همزار و دهست نهر ویشتوون نهک سزا بو سسر سمرمایهداران و دهسه لاتدارانی کوماری نیسلامی که بو خوشیان ۴۰ ساله همم خهلک سزای نابووری نهدن و همم تاوان و ستم و زوریان له بهر امبر خهلک کردوه به پیشه ی روژانه یان.

***دهنگوی دیداری نیوان پارتیه کوردیه کانی روژه لات تویره کومه لایه تیه کانی ته نیوه!!! نیوه راتان چیه لهسره نم دیدارانه؟**

ولام: به رای من له دهنگو دمر چووه و چاوپیکهوتن و دانووستاندنی ژیر به ژیریان له گهل یه کیک له تاوانکارترین حکومته کانی ناوچه که واته نیران زور له میژره له نارا دایه. نه تهنیا به دزی کومهلگه به لکو به دزی نهدمانی خوشیانمه خسر یک نم کارن. له م باره یهه و توویژیکی تایه تم کردوه و داواکارم له خوینهرانی بهریز بیسهری نم و توویژمبین http://www.hawpshti.com/19/?p=2700&fbclid=IwAR1WDh1vhO1uxJ8Imcf8mDfcOWMq6zCxEx4p_60UPxvPDDs_MyYaiA6pL_iY.

به کورتی بلیم دانووستاندن و چاوپیکهوتنی نم حیزبانه له رووی شکست و بی دهر منانی خوینهمه به لام کاره میان زور به زبانی خهباتی شورشگیرانه ی کومه لانی شورشگیره دژ به کوماری نیسلامی نیران، تهنانهت زور به زبانی چار سهری کیشه ی کورده له چوارچیوه ی نیراندا، کاری نهمان همر و مکوو کاریکی بی ناکام و سسر شورانه ی هممو نم کوردانه یه که همتا نیستا به شیوازیکی جوراوجور له گهل کوماری نیسلامی دا کاریان کردوه. کاره میان زور به زبانی توپوزسیون و جیگا پیگه مان له م سمرده مدها تمواو ده بیت. به راستی بیجگه له کوماری نیسلامی همتا نیستا کس قازانجی له م جور دانووستاندنانه و چاوپیکهوتنانه دا نه کردوه!

نهمه راسته که له باری چینایمته و ستر انتریه یه نم حیزبانه جیاوازی زوریان له گهل سیستمی حاکمی سمرمایهداری و دولتمته ناوندی نیه و به بروای من له همل و مریجیکی تایهت دا همر چی زووتر بچنوهه پال یهک لهوانیه به قازانجی داهاتووی خهباتمان تمواو ببیت، به لام بهداخوه هممو شتی وهها به ناسانی به ناکامی خوی ناگات، ناسهواری سیاسته کانیان همر وهک چون میژووی کومهلگه ی کوردستان پیمان دلنیت همتا کومهلگه ش له گهل خوین نهخه نه ژیر زلکاو شکست و ژیر دهستی حکومتی ناوندی دهست همل ناگرن، مگه کومهلگه لییان بیته دهست و دنگ. نهمانه که همتا نیستا له لایه ن همر نم حکومته تیروریستیه یه چندین سمر کرده و سهدان کسپان لی تیرور کراوه و له دهستان داوه چون هیشتا متمانه به م حکومته دهکن! همر له بهر نم هوکاره به بوچوونی من شمیری خوین به شمیری ناو بنهماله یهکی هاویشی سرمایه داری له گهل حکومت دمران نهک شمیر و کیشه له سسر نازادی و یهکسانی و وهگرتنی مافی رهوای خهلکی زحمتکشی کوردستان، همر کام له م حیزبانه لهته بهر میهکیان له دهسه لات بدریتی کیشه یان له گهل بهکتر تمواو ده بیت.

له کو تاییدا همر چیهک خوت پیت گرنگ بیت

ولام: زور سپاس، هیوادارم خهلکی کریکار و زحمته کیشی بهش مهینهتی دانشتووی کوردستانی نیران همر چی زووتره بویان روون ببیتیه که له ریگای نهمزابیک بهم چهنهوه که کار و پیشه یان بوتهه سادوسه مودا کردن و ته سلیم بوون و سسر شور، و دژایتی کردنی شیان له گهل کوماری نیسلامی تهنیا به به یونه ی گمیشتن به دهسه لاتی خوین له چوارچیوه ی نموه دولته دیکتاتوردها ده بینن، و هاوکات کاریان بوتهه دژایمته کردن له گهل نازادخواری و خهباتی کریکاران و ریبازی سوسیالیستی، به هیچ نامانجیکی شورشگیرانه ی خوین ناگه ن!، هیوادارم ناگادار بینهوه و دور بگرن لییان و نهکونه داوی نم جوره حیزبانه وه. نابیت نیرنیا ن پی بدن که له مه زورتر به ناوی کورد و پروپاگنده ی دروینانه ی "گهلی کوردستانه وه" تاقمیکی سمرمایهدار و تینووی بهشدار له دهسه لات بتوانن خهبات و نامانج و داهاتوویان دیسان تووشی شکست و بی هیوایی و مالویرانیکنه وه. بانگ له هممو لایه نیکی شورشگیر و بهر پرس دهکم که دژ به کرده وی نم چهن حیزبه نابهریرسانه بوستینه وه و بو رزاکاری یه کجاری خوین و بو رووخاندنی کوماری کونه پهرستی نیسلامی پیویسته بهکرتووانه بینه ریزی خهباتی کریکاری و سوسیالیستی به وه!

به سپاسه وه!

<http://www.kurdjournal.com/2019/07/20/%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85-%d8%b2%db%8c%d8%ac%db%8c-%d8%ad%da%a9%d9%88%d9%85%db%95%d8%aa%db%8c-%d8%a6%db%8c%d8%b1%d8%a7%d9%86%db%8c-%d8%a8%db%95-%db%8c%db%95%da%a9%da%af%d8%b1%d8%>

اخراج و بیکار سازی موقوف!